

## نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران

مؤلف: رحیم کارگر محمدیاری

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: سوم

تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۷۷

چاپ: مهر-قم

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

## مقدمه ناشر

عبادت و پرستشگری در اعماق فطرت بشر ریشه دارد. عشق به معبود یکتا با وجود انسان آمیخته است. انسان نیاز به انس به معبود و آرامش در سایه یاد او دارد. تنها مأمن و پناهگاه انسان به هنگام خطر، دامن کبریایی حضرت پروردگار است.

کتاب «نماز از دیدگاه دانشمندان» را جناب آقای رحیم کارگر گردآوری و ستاد اقامه نماز پس از ویرایش و بازنویسی آماده چاپ کرده است. باشد که گامی در جهت گسترش فرهنگ نماز باشد.

ستاد مرکزی اقامه نماز

## تاریخچه نماز

باسمه تعالی

از دیرینه ترین زمانی که تاریخ از احوال بشر به یاد دارد، همواره نیایش و نماز، سرلوحه آیینهای ریشه دارو عمیق در زندگی انسانها بوده است و بالاین که نیایش جنبه ی عمومی و فراگیر داشته، با این حال، صورت و کیفیت و اوصاف و اهداف آن در همه جا یکسان نبوده است، ولی یک امر در همه عبادتها مشترک است و آن اعتقاد به مخاطبی برتر از بشر است که نیایشگر با او سخن می گوید و برای نیازش، دست به دامن او می زند.

بررسی و مطالعه تاریخ آفرینش انسان، نمایشگر این حقیقت است که، همزمان با آفرینش و پیدایش انسان، نیایش و نماز نیز تولد یافته است. به بیان دیگر، انسان در برخورد با حوادث ناگوار، نیایش و نماز را شناخت، و این واقعیت غیر قابل انکار را پذیرفت که بدون پیوند و ارتباط با جهان نور و رحمت، هرگز نمی تواند به زندگی خویش ادامه دهد. از این رو همیشه در ضمیر ناخودآگاه و فطرت خداجویش، به یک کانون معنوی و روحانی معتقد و متصل شده و در برابر آن منبع نور و قدرت به نیایش دست زده است.

[ صفحه ۸ ]

## دیدگاه ماکس مولر

ماکس مولر، خاورشناسی آلمانی و استاد دانشگاه آکسفورد می گوید: اسلاف و گذشتگان ما از آن زمان به درگاه خداوند سرفروده بودند که حتی برای خدا نامی هم نتوانسته بودند، بگذارند. [۸].

این سخن، حکایت از اصالت و استواری و فطری بودن نیایش و پرستش در وجود انسان می‌کند، زیرا به بیان قرآن و منطق اسلام، آفرینش انسان آمیخته با پرستش و نیایش است، همچنانکه، حیات آدمی و ادامه آن، منوط به تنفس و جذب اکسیژن و دفع کربن است. روح و روان انسان، نیازمند به نیایش و ارتباط با جهان ملکوت و آستان کبریایی آفریدگار می‌باشد، تا از این گذرگاه، زنگار نقص و جهل و جور از صحیفه ی دل بزدايد و خانه ی دل را با فروغ تابناک توحید روشن سازد.

نماز از همان اوان حیات آدمیان، وارد زندگی بشر شده است و نه تنها در ادیان الهی واجب بوده است، بلکه انسانهای غیرالهی هم به نوعی با پروردگار خود ارتباط داشته، نیایش می‌کرده اند. با این بیان روشن شد که نماز و نیایش، بین ملتهای مختلف جهان، چیز بیگانه و نامأنوسی نبوده و نیست، و هر کس به طریقی با محبوب و معبود خویش ارتباط برقرار می‌کند و مناجات می‌نماید.

هر کس به زبانی سخن از وصف تو گوید

بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

[ صفحه ۹ ]

[۱] فرهنگ نماز، ص ۲۷.

### نیایش، درمان جنبه های مخرب تمدن غرب (الکسیس کارل)

در قرن حاضر، دانشمندان و متفکران بطور گسترده و بیشتر درباره نماز و نیایش بحث می‌کنند و سخن از نیایش، ارتباط معنوی با خدا و دعا و... بر زبان می‌آورند. آنان خود اذعان می‌کنند که نیایش می‌کنند، نماز می‌خوانند و در مشکلات زندگی چنگ به ریسمان محکم دعا می‌زنند. روانشناسان، امروز به این نتیجه رسیده اند که توجه به خدا و نماز و دعا، موجب رفع بسیاری از گرفتاریها و درمان امراض می‌گردد. بسیاری از مرضها در محیطهایی که دعا و نیایش در آن جا وجود دارد، رخنه نمی‌کند. آنها از درمان بیمارانی که مایوس و نومیدند و قدرت تطبیق و سازگاری اجتماعی را از دست داده اند، درمانده می‌شوند، از این رو، به این بیماران توصیه می‌کنند که به معابد رفته و دعا و

نیایش کنند، زیرا روح بی‌قرار و متلاطم سرانجام باید به چیزی دل بندد و به اصل و مبدأ تعلق گیرد و زندگی بر او سخت و در کامش تلخ و غیر قابل تحمل خواهد بود.

دکتر الکسیس کارل برای درمان جنبه‌های مخرب تمدن جدید راهی نمی‌یابد و می‌گوید: «این تمدن جدید و صنایع و اختراعات روزافزون، با طبیعت زندگی ما، سازشی ندارد و به همین جهت است که هر روز و هر سال بر تعداد بیماریها و مخاطرات زندگی افزوده می‌شود و ما که خود را، به وجود آورنده‌ی تمدن جدید می‌شماریم نمی‌توانیم راهی

[ صفحه ۱۰ ]

برای اصلاح یا بهبود آن پیدا کنیم».[۱] .

ولی در مطالعات و نوشته‌های بعدی برای معالجه یأسهای ناشی از تمدن جدید، می‌گوید: «نیایش، به آدمی نیروی تحمل غمها و مصائب را می‌بخشد و هنگامی که کلمات منطقی برای امیدواری، نمی‌توان یافت، انسان را امیدوار می‌کند و قدرت ایستادگی در برابر حوادث بزرگ به او می‌دهد».[۲] .

در این کتاب سعی شده است با استفاده از نظرات دانشمندان علوم مختلف، پرده‌ها کنار زده شود تا دنیای زیبا و دل‌انگیز عبادت و تأثیرات آن، از دیدگاهی نو آشکار شود.

خوشر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

به همین جهت به جمع آوری آرای دانشمندان علوم جدید، پرداختیم تا مشخص شود که اهمیت این امر عظیم مورد تأیید علوم مطرح روز هم هست.

و همه اینها به این دلیل است که با نماز بیشتر و بیشتر آشنا شده و با استعانت از نماز، به خداوند نزدیکتر شویم.

خواهم ای دل محو دیدارت کنم

جلوه گاه روی دلدارت کنم

واله ی آن ماه رخسارت کنم  
بسته ی آن زلف طرارت کنم

در بلای عشق دلدارت کنم  
پایبند طره ی یارت کنم

[ صفحه ۱۱ ]

دکتر الکسیس کارل، جراح و دانشمند و فیزیولوژیست فرانسوی و برنده جایزه نوبل، می گوید:  
«نیایش، پرواز روح به سوی خداوند است. نیایش عروج روان انسانی به آستانه ی خداوندی می باشد. نیایش تجلی عشق و تجلی نیاز روح آدمی است. نیایش همچون امانتی همراه کسی است که غالبا خداوند را نیایش می کند، بارقه ی نور دعا و پرستش خداوند از سیما و نگاه نیایشگر، همواره ساطع است و آن را به هر جا که برود با خود می برد. دعا و نماز قویترین نیرویی است که انسانها می توانند ایجاد کنند، نیرویی است که چون قوه ی جاذبه زمین وجود حقیقی دارد.

در حرفه ی پزشکی، خود من مردانی را دیده ام که پس از این که تمام معالجات در ایشان مؤثر نیفتاد و مایوس از دارو شدند، با نیروی دعا و عبادت و نماز از بیماری و مالیخولیا رهایی یافته اند. دعا و نماز چون رادیوم یک منبع نیروی مشعشعی است که خود به خود تولید می شود.

از راه دعا، بشر می کوشد نیروی محدود خود را با متوسل شدن به منبع نامحدودی چون خدا افزایش دهد. وقتی که دعا می خوانیم خود را به قوه ی محرکه ی پایان ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است، متصل و مربوط می کنیم که قسمتی از آن نیرو به حوائج ما اختصاص داده می شود. به صرف همین استدعا، نواقص ما تکمیل می شود و با قدرتی بیشتر و حالتی بهتر از جای بر می خیزیم.

[ صفحه ۱۲ ]

[۱] انسان موجود ناشناخته، کارل، ص ۲۷۵.

[۲] راه و رسم زندگی، کارل، ص ۱۳۷.

### اثرات نیایش (امرسون)

هر وقت باشور و حرارت خود را در دعا و نماز مخاطب می‌سازیم، هم روح و هم جسم خود را به وجهی احسن تغییر می‌دهیم. غیر ممکن است مرد یا زن تنها به دعا بپردازند، انسان همیشه از دعا و نماز نتیجه‌ی مفیدی می‌گیرد. به گفته‌ی امرسون: «هرگز هیچ کس دعا نکرد، مگر آنکه به چیزی رسید.»

### نقش دعا در تکامل شخصیت انسان (الکسیس کارل)

دعا کردن، همچون خوردن و آشامیدن ضروری است. در اجتماعی که نیایش و دعا وجود نداشته باشد از فساد و زوال مصون نخواهند بود. آثار دعا و نیایش واهی و خیالی نیست.

نیایش علاوه بر این که آرامش به وجود می‌آورد، بطور کامل و صحیحی در فعالیتهای مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند. [۱].

دنیای علم از دنیای نیایش متفاوت است، اما متباین نیست، لکن نتایج دعا و نیایش را می‌توان از روی علم دریافت، زیرا نیایش نه تنها بر روی حالات عاطفی بلکه بر روی کیفیات بدنی نیز اثر می‌کند و گاهی برای مدتی بیماری را بهبودی می‌بخشد. این کیفیات هر چقدر غیر قابل درک باشد اما باید به واقعیت آنها معترف بود. نیایش به آدمی نیروی تحمل غمها و مصائب را می‌بخشد و انسان را امیدوار می‌کند و قدرت ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث بزرگ را به او می‌دهد.

[ صفحه ۱۳ ]

دکتر نجاتی می‌نویسد: «پزشک فرانسوی «الکسیس کارل» ثابت کرد که نماز سبب ایجاد نشاط معنوی مشخصی در انسان می‌گردد و همین حالت است که احتمالاً منجر به شفای سریع برخی از بیماران در زیارتگاهها و معابد می‌شود.» [۲].

الکسیس کارل جای دیگری می‌نویسد: «اگر صمیمانه به دعا و نماز بپردازید، خواهید دید که زندگی شما به صورت عمیق و مشهودی تغییر خواهد کرد. باید بگوییم که دعا فعالیتی است که برای تکامل صحیح شخصیت و تمامیت عالیتین ملکات انسانی ضرورت دارد. تنها در دعا و نماز اجتماع کامل و هماهنگ بدن و فکر و روح حاصل می‌شود که به آدمی - که همچون نی شکننده ای است - نیرومندی و استقامت بیرون از حد تصور می‌بخشد. دعا و نماز عملی است که آدمی را در حضور خدا قرار می‌دهد. مردی دهاتی در آخرین صف نماز، در یک معبد، تنها نشسته بود، کسی از او پرسید «منتظر چه هستید؟» او در جواب گفت: «به او نگاه می‌کنم و او به من نگاه می‌کند. آدمی دعا می‌کند که نه تنها خدا به یاد او باشد، بلکه او خود نیز به یاد خدا باشد.» [۳].

«دعا و نماز کوششی است در آدمی برای رسیدن به خدا و صحبت کردن با موجودی نادیدنی که آفریننده همه چیز و حکمت اعلی و

[ صفحه ۱۴ ]

حقیقت و نیکی و نیرومندی است و نجات همگان به دست او است.» «اپیکتتوس» فیلسوف گفته است:

«بیش از آنچه نفس می‌کشید به خدا بیندیشید.

برای این که شخصیت آدمی قالب ریزی شود باید دعا و نماز به صورت عادتی درآید. هیچ معنی ندارد که آدمی صبحگاهان نماز بگذارد و پس از آن در باقیمانده ی روز حرکاتی مانند وحشیان داشته باشد. دعای راستین خود راهی از زندگی است و درست ترین زندگی خود راهی از دعا کردن است.

امروز، بیش از هر زمان دیگر، دعا ضرورتی از زندگی مردمان و ملتها به شمار می‌رود. کمی توجه به دین جهان را به کناره‌ی پرتگاه کشانیده است. دعا که اساسی‌ترین ورزش روح است، باید با کمال فعالیت در زندگی خصوصی ما دخالت کند. اگر نیروی دعا بار دیگر آزاد شود و در زندگی عموم زنان و مردان دخالت کند و اگر روح منظوره‌ای خود را آشکار و به شجاعت ظاهر سازد، امید آن هست که تیر دعا‌های ما برای رسیدن به جهان بهتر به هدف اجابت برسد.» [۴]

«انسان همانند اکسیژن و آب به خدا نیاز دارد. از راه نیایش است که انسان به خدا می‌رسد و خداوند در قلب آدمی وارد می‌شود. نیایش برای رشد غایی ما ضروری می‌نماید.» [۵].

نیایش ها که چون توده هایی از ابر، از زمین به سوی آسمان بالا می روند از یکدیگر همانند شخصیت نیایشگران متفاوتند ولی با همه فرقه‌ها، همگی بر دو پایه قرار دارند: نیاز و عشق. در عالیت‌ترین شکل خود نیایش از مرحله ی خواستن فراتر می رود. آدمی در برابر آفریننده جهان و زندگی با فروتنی سر فرود می آورد، نشان می دهد که او را دوست دارد، به داده هایش سپاس می گوید، خود را به او می سپارد و تسلیم اراده ی او می گردد. [۶].

[۱] الکسیس کارل، ص ۱۱، ۱۲، آرامش روانی و مذهب، ص ۲۱۴؛ آیین زندگی، ص ۲۴۶.

[۲] قرآن و روان شناسی، ص ۳۵۹.

[۳] نیایش، کارل، ص ۷.

[۴] کلیدهای خوشبختی، ترجمه احمد آرام، ص ۳۱، ۳۰۶، ۳۰۸.

[۵] نیایش، کارل، ص ۱۸.

[۶] نیایش، ص ۶ و ۷.

[۱] الکسیس کارل، ص ۱۱، ۱۲، آرامش روانی و مذهب، ص ۲۱۴؛ آیین زندگی، ص ۲۴۶.

[۲] قرآن و روان شناسی، ص ۳۵۹.

[۳] نیایش، کارل، ص ۷.

[۴] کلیدهای خوشبختی، ترجمه احمد آرام، ص ۳۱، ۳۰۶، ۳۰۸.

[۵] نیایش، کارل، ص ۱۸.

[۶] نیایش، ص ۶ و ۷.

## همگونی تعلیمات پیامبران و علم روان شناسی (دیل کارنگی)

دکتر دیل کارنگی روان شناس و بنیان گذار دانشکده روابط انسانی در نیویورک که در جهان متمدن کنونی در کار خود بی مانند است می گوید:

«چرا موقعی که مشکلات، نیروی ما را نابود می کند و یا حوادث اراده های ما را ریشه کن می گرداند و بیشتر اوقات آنقدر در یأس فرو می رویم که خدا را هم فراموش می کنیم، به خود نمی آییم و آنقدر صبر می کنیم که یأس بر ما پیروز می شود؟! و چرا همه روزه، نیروهای خود را با نماز، حمد و دعا تقویت نمی کنیم و تجدید سازمان نمی دهیم؟!»

امروز جدیدترین علم یعنی روان پزشکی همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می دادند، چرا؟ به علت این که پزشکان روحی دریافته اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین



نگرانی و تشویق و هیجان و ترس را که موجب اکثر ناخوشیهای ماست بر طرف می‌سازد. شخص من هنوز هم از کشف رمز اثر دعا و نماز عاجزم، ولی این دلیل نمی‌شود که از آرامش روحی و اتکایی که دعا و نماز برایم بوجود می‌آورد بهره مند نشوم. با دلیل یا بی‌دلیل برایم مسلم شده است که اعتقاد به دین در طریق زندگی سعادت‌مندانه مهمترین پایگاه است.

چند سال قبل از فوت «هنری‌فورد» به ملاقات او رفتم. انتظار داشتم اندوه و ملال ناشی از ۷۸ سال زندگی و سالهای بسیار تلاش در راه اداره ی یکی از مؤسسات بزرگ صنعتی را در سیمای او ببینم، اما وقتی او را شاداب و آرام یافتم شگفت زده شدم. وقتی دلیل آرامش و شادابی او را پرسیدم خیلی راحت برایم گفت:

... معتقدم خدا خودش کارها را رو به راه می‌کند و احتیاجی به اندرز من نیز ندارد. چون خداوند حاکم و مسلط بر تمام امور است، تمام کارها عاقبت به بهترین وجهی انجام خواهد پذیرفت.

در این صورت چه موجبی برای نگرانی باقی می‌ماند؟

دیل کارنگی یک نفر را معرفی می‌کند که با کمک خدای بزرگ مشکلس را حل کرده بود، آن شخص چنین گفته بود:

وقتی که می‌توانیم آلام و مصائب خود را با خدای خویش در میان بگذاریم چه بیم که از مشکلات نگران بشویم و از آنها بهراسیم؟

این روان شناس بزرگ نتیجه می‌گیرد که:

توسل به خدا و دعا و نیایش سه اصل روان شناسی را که همه، چه مشترک و چه دیندار و خداشناس به آن نیازمندند در انسان زنده می‌کند:

۱- دعا و نیایش به ما کمک می‌کند تا ناراحتی ها و گرفتاریها را هنگام دعا بر زبان آوریم و آنها را حل کنیم.

۲- بر اثر نیایش احساس می کنیم شریکی برای غم خود یافته ایم و تنها نیستیم. خیلی کم هستند کسانی که به تنهایی بتوانند مشکلات خود را تحمل کنند. گاهی اوقات نگرانی بر اثر موضوعی محرمانه، چنان بر ما هجوم می آورد که قادر به در میان گذاشتن آن با بهترین دوستان و یاران خود نیز نیستیم و این جاست که به طرف خدا می رویم و او محرمترین و رازدارترین یاور ماست. وقتی کسی را نمی یابیم شنوای همیشگی - خدای تعالی - آماده شنیدن درد دلهای ماست.

۳- دعا و نیایش باید انسان را به کار و کوشش وادارد و نخستین گام به سوی عمل است. وقتی هدف برای خداوند تعالی گفته شد، اولین قدم برداشته شده است.

چرا همین حالا کتاب را نمی بندید و به اتاق خود نمی روید و به نزد خدا زانو نمی زنید و با او به راز و نیاز نمی پردازید؟ جز خدا محرمی نیست که به حرفتان گوش بدهد.

حالا که دقایقی را به دعا و راز و نیاز با خدای خود گذرانده اید چه احساسی دارید؟ با خود صادق باشید، آیا احساس نمی کنید آرامش یافته اید؟ یک مشاور مطمئن و رایگان بهترین موهبتی است که هرکس

[ صفحه ۱۸ ]

می تواند داشته باشد. [۱].

کارنگی می نویسد: عبادت و نیایش و ایمان قوی به مذهب، بیش از نیمی از نگرانیهای ما را برطرف می سازد... اگر مذهبی در کار نباشد زندگی پوچ است. [۲].

[۱] آئین زندگی، ص ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۶.

[۲] همان مأخذ، ص ۲۹۱، ۱۸۳.

### اثر نیایش (لئون دنی)

لئون دنی دانشمند و روح شناس فرانسوی چنین گفته است:

«نیایش به درگاه خداوند توانا، راز و نیازيست که بنده ی خاکسار با معبود و آفریدگار خود می نماید، در خلوت و تنهایی با تمرکز فکر، توجه خود را به سوی مبدأ و آفریننده ی موجودات که ملجأ و پناهگاه دل شکستگان است معطوف می دارد و با خشوع و فروتنی، درماندگی، ناتوانی و پریشان حالی خود را به آستان الوهیتش عرضه می دارد و با ستایش ذات پاک خداوندی اش، کوچکی و حقارت خود را بیان و از پیشگاه مقدسش عفو گناهان خود و

شمول رحمت و عنایت بی پایان او را مسألت می نماید. در این حالت (نیایش و عبادت) شخص آرامش و اطمینانی در دل پریش خود می یابد و سر عبودیت و بندگی در برابر آستان پر عظمت و جلال خالق یکتا می ساید و دست حاجت به سویش دراز می کند. عبادت و پرستش حق جل و علا، میل و شوقی است که بنده ی وارسته در روح خود می یابد و از توجه به مادیات چشم می پوشد و روانش بر فراز مظاهر فریبنده ی دنیای خاکی قرار گرفته، بال می گشاید

[ صفحه ۱۹ ]

و با ذوق و نشاط به سوی پروردگار مهربان متوجه می گردد. بنده ی مؤمن هیجانات دنیای مادی را از یاد می برد و تمام ارکان وجودش متوجه ستایش حق و ادای سپاس و تشکر از نعمتها و بخشایش او می گردد. تسبیح و تقدیس ذات پروردگار و عرض نیایش و سپاس به آستان ملکوتی اش در همه مواقع لازم و پرفایده است. بهترین و مناسب ترین موقع نیایش در سپیده صبح و قبل از طلوع آفتاب و هنگام عصر و غروب و شامگاه است. [۸]

برای ادای حق بندگی و عرض حاجت بهتر است شخص با افتادگی و حالت عجز دست توسل به سوی خالق گشوده نماز بجا آورد و دعا کند مناسبترین دعا و درخواست از درگاه خداوند طلب آمرزش گذشتگان و هدایت و رستگاری زندگان است.

پیشوایان دین، در مقام عبادت و هنگام نماز و دعا به قدری شیفته و مستغرق در پرستش خداوند و تعظیم و تکریم ذات او بوده اند که گویی روح آنها در آن حال از بدن فارغ و به سوی لایتناهی پرواز می کرده است. بندگان وارسته و آزموده، عبادت و پرستش خداوند را نه برای برخورداری از مواهب طبیعی و بهره یابی از آسایش و تنعمات دنیوی می خواهند، بلکه ذات ذوالجلالش را سزاوار پرستش و تعظیم و

[ صفحه ۲۰ ]

تکریم دانسته و از پیشگاهش درخواست معرفت و بینایی برای آراستگی و ترقی روح خود می نمایند تا به فیوضات اخلاقی و معنوی نائل شوند.

نماز، رغبت و اشتیاق روح، برای تعظیم به مقام ربوبیت است یک رشته ی محکمی است که اندیشه ی بنده ی خاکی را به خالق مرتبط می دارد. اجرای این عمل واجب (نماز)، نمازگزار را از ارتکاب گناه [۲] و کارهای ناروا برکنار می دارد و اندیشه ی او را از امور بی دوام زندگی برتر و فراتر می برد، وسیله ایست برای تقرب به رحمت خداوندی. هنگام خواندن نماز نیت می کنیم که نماز را قربه الی الله به جا آوریم و باید پیوسته در این فکر باقی باشیم که برای تقرب به آستان خالق و پرستش او نماز می گزاریم. باید سعی کنیم افکار و خیالاتی که ما را متوجه چیزهای دیگر می نماید به دور سازیم و با حالتی متواضع و با کمال فروتنی، با فهم معانی، نماز را به جا آورده به پایان رسانیم. لئون دنی در آخر گفتارش می نویسد:

در زمین و آسمان و جهان آفرینش تمامی موجودات و مخلوقات به شکرانه ی حیات و موجودیت خود، هریک با حال و زبانی به ستایش خداوندی اش مشغولند. درود و سپاس و تحسین و تقدیس خود را به مقام الوهیت عرضه می دارند که ما خاکیان از فهم اسرار آن عاجزیم.

[ صفحه ۲۱ ]

بالا تر و والاتر از درودهای مخلوقات خاکی، تسبیحات سکنه ی سماوات و مخلوقات دنیاهای فلکی است که امواج قوی آن در اعلا علین منتشر و پخش می گردد. فقط ارواح خجسته و ملائک و فرشتگان، مفاهیم عالی آن را درک می نمایند. [۳].

[۱] اسری، آیه ی ۷۸، اقتباس.

[۲] عنکبوت، آیه ۴۵، اقتباس.

[۳] عالم پس از مرگ، لئون دنی، ص ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۵.

### نیروی احساس مذهبی (ویلیام جیمز)

ویلیام جیمز پدر روان شناسی و دانشمند آمریکایی می گوید:

«احساسات مذهبی نیروی شگرفی است که هم جذب می کند و هم شاد می کند. عطر نسیم کوهستانی که جهان را معطر می سازد از اوست، همه زیبایی و تشنگی ها از اوست، اوست که آدمی را بی نهایت می سازد، وقتی که آدمی می گوید (من) وظیفه دارم؛ هنگامی که در اثر الهام از عالم بالا کار بزرگ و نیکویی را انتخاب می کند. در این وقت است که روح او سرشار از ترنم سرور می شود در این موقع که او به زانو درآمده، به ستایش می پردازد و از این

ستایش و نیایش به وجد و انبساط درمی آید. زیرا که این سرور و شادمانی، تارهای اعماق قلب او را تکان می دهد، هیچ چیز در جهان بیشتر از اینها ما را تکان نمی دهد و آنها از هر معجونی بیشتر در ما اثر دارد. هر چیز و هر سخن که این احساسات را بیان کنند در نزد ما مقدس و گرامی اند و هر قدر که صمیمانه تر و خالصتر بیان نمایند، گرامی تر و مقدستر خواهند بود.[۱]

ویلیام جیمز می نویسد: «آنچه هست این است که دعا و نماز امر ذهنی

[ صفحه ۲۲ ]

و وهمی نیست و عبارت است از کسب بیشتری از نیروی معنوی یا به عبارت دیگر، رحمت الهی.» فردریک مایز این مطلب را در جواب سئوالی که یکی از دوستانش در باره ی دعا و نماز کرده است گفته و او در توضیح بیشتر مطلب نوشته است که: بسیار خوشحالم از این که عقیده ی مرا درباره ی دعا پرسیده اید، زیرا که من درباره ی این موضوع عقیده ای محکم و تردید ناپذیر دارم، نخست می بینم واقعیات در این موضوع کدامند؟ در پیرامون ما، جهان معنوی وجود دارد که ارتباط نزدیکی با دنیای مادی دارد. از اولی، یعنی جهان معنوی، نیرویی فیضان دارد که دومی، یعنی عالم ماده را نگهداری می کند. و این همان نیرویی است که روح ما را زنده نگه می دارد.

معنویات ما از آنجا برقرار است که سیاله ای که لاینقطع از این نیرو در ما وارد می شود. شدت این سیاله معنوی مدام متغیر است. درست مانند نیروی غذایی و مادی که در بدن ما وارد می شود و متغیر است. من برآنم که این یک واقعیت حقیقی است.[۲]

ویلیام جیمز، دیگر بار گفته است: «اگر ما خود را با آنچه که باید باشیم بسنجیم، می فهمیم که موجودی نیمه زنده هستیم، زیرا ما تنها

[ صفحه ۲۳ ]

گوشه ی کوچکی از نیروهای بدنی و ذهنی خود را به کار می گیریم، یا به عبارت دیگر، هر فرد از ما، در محدوده های تنگی که در درون مرزهای حقیقی خود می سازد زندگی می کند. انسان دارای نیروهای گوناگون و فراوان

است، اما معمولاً به آنها توجه ندارد، یا نمی تواند آنها را به کار گیرد. همین رابطه ی معنوی انسان با پروردگار در طول نماز و دریافت نوعی فیض الهی، یا بارقه ی روحانی از خداوند متعالی باعث رها شدن نیروهای معنوی مستتر در انسان می شود و عزمش را جزم، اراده اش را قوی و همتش را بلند می گرداند. [۳] وی می نویسد: «در مبحث ایمان دیده می شود که قیافه ی دنیا در نظر مردم با ایمان فرق می کند. مردم مذهبی بطور کلی قبول دارند که هر واقعه و امری که به زندگی آنها ارتباط دارد، به نظرشان انعکاسی از مشیت الهی است. و این مشیت الهی که از نظرها پنهان است در نمازها و دعاها بشدت مشهود می گردد. اگر نیرویی برای تحمل پیشامدها لازم باشد، در اثر دعا و نماز به دست می آید، هرگونه دعا و نمازی نشانه ی این اعتقاد است که با ارتباط با خداوند نیرویی ملکوتی که غذای روح می باشد به دست آمده و قیافه ی دنیا طور دیگر جلوه می کند، همین قدر که ما به حقیقی بودن این نیروی ملکوتی معتقد شدیم، دیگر چندان اهمیتی ندارد که بخواهیم بدانیم این نیرو، معنوی است یا مادی. از نظر مذهب اهمیت در این است که

[ صفحه ۲۴ ]

یک نیروی معنوی تاکنون از ما پنهان بوده در اثر دعا و نماز به کار می افتد. [۴].

[۱] دین و روان، ویلیام جیمز، ترجمه ی قائمی، ص ۸.

[۲] دین و روان، ویلیام جیمز، ص ۱۵۸، ۱۵۷.

[۳] قرآن و روان شناسی، ص ۳۶۱.

[۴] دین و روان، ص ۱۶۸، ۱۶۹.

### نقش روان در آرامش روان (دکتر توماس هایس لُوپ)

دکتر توماس هایس لُوپ می گوید:

مهمترین مطلبی که من در طول چندین سال تجربه و آزمایش به دست آورده ام این است که بهترین وسیله برای درمان بی خوابی نماز است. با این قید که من پزشکم این سخن را می گویم که نماز بهترین وسیله ای است که تاکنون برای توسعه ی اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط شناخته شده که زمینه ی بی خوابی را برطرف می گرداند. و به عبارت دقیقتر، مهمترین وسیله ی ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان نماز است. [۱].

[۱] آئین زندگی، دیل کارنگی، ص ۲۴۹، قرآن و روان شناسی، ص ۳۵۷.

## نیایش، وسیله انس انسان با معبود (علامه محمد تقی جعفری)

استاد علامه محمدتقی جعفری، فیلسوف شهیر معاصر چنین می فرمایند:

آن حالت روحی که میان انسان و معبودش رابطه ی انس ایجاد نموده و کشش برقرار می سازد، نیایش نامیده شده است. اگر می خواهید تمام شئون زندگی شما اصالتی به خود گرفته و قابل تفسیر باشد، بروید دمی چند در حال نیایش باشید، اگر می خواهید در امتداد زندگانی خود لحظاتی را هم از جدی ترین هیجان روحی بهره مند شوید دقایقی چند

[ صفحه ۲۵ ]

روح خود را به نیایش وادار کنید.[۱] استاد همچنین برای نیایش آثار ذیل را رقم زده اند:

۱- تقاضای رسیدن به کمال که هدف نهایی خلقت انسان است.

۲- نیرو گرفتن از ماورای طبیعت و جهان متافیزیک[۲] و بهره برداری از آن. ویلیام جیمز در تأیید این سخن می گوید:

آدمی در این حال (نیایش و نماز) حس می کند که نیرویی وارد بدن او می شود درست مثل این که در آفتاب که می نشینیم گرمی آن را احساس می کنیم، از این نیرو می توان به طور مؤثر استفاده کرد عینا مانند این که از اشعه ی خورشید برای آتش زدن قطعه چوبی از ذره بین استفاده می کنیم.

۳- تماس و ارتباط پیدا کردن بی نهایت کوچک یا بی نهایت بزرگ که نهایت آمال و ایده آل بشریت است. و با این تماس است که جهان درونی و برون، مادی و معنوی هماهنگ خواهد گشت.[۳].

لرمانتوف بسیار زیبا از زبان همه ی آدمیان می گوید: با دیدگان فرو بسته لب بر جام زندگی نهاده و اشک سوزان بر کناره ی زرین آن فرو می ریزیم، اما روزی فرا می رسد که دست مرگ نقاب از دیدگان ما

[ صفحه ۲۶ ]

بر می دارد و هر آنچه را که در زندگانی مورد علاقه ی شدید ما بود از ما می گیرد. فقط آن وقت می فهمیم که جام زندگی از اول خالی بوده و ما از روز نخست از این جام جز باده ی خیال ننوشیده ایم.

واضح است که دیر یا زود همه ی ما از این کره ی خاکی چشم بر بسته و در بستر مرموز خاک خواهیم غنود. پیش از آن که چشمان ما برای آخرین بار نمودی را ببیند و پلک روی هم گذارد و پیش از آن که لبهای ما آخرین سخن خود را بگوید و بسته شود بیایید ببینیم در مقابل سکه های پرارزش عمر که لحظه به لحظه از دست می دهیم چه کالائی را در بازار پرهیاهوی زندگانی دریافت می کنیم. بیایید اشارتهای طلایی این فضای بی حد و کران را ندیده نگیریم آنان ما را برای همکاری با خود در نیایش با خداوند بزرگ دعوت می کنند. لحظاتی دیدگان خود را بر افق بی پایان فضا بدوزیم ما هم انگشتان محقر خود را برای اجابت به اشارتهای موجودات این سپهر نیلگون به آسمان بلند کنیم و لبی حرکت دهیم و با ندای «آه پروردگارا» خود را از خودسری در این جهان هدفدار تبرئه نمائیم. مگر نه اینست که:

از ثری تا به ثریا به عبودیت او

همه در ذکر و مناجات و قیامند و قعود

در کدام یک از فعالیتهای روانی ما پدیده ای را می توان نشان داد که از فعالیت روح هنگام نیایش عمیق تر و گسترده تر بوده باشد؟ حافظ می گوید:

سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی

دل ز تنهایی به جان آمد خدایا همدمی

[ صفحه ۲۷ ]

ما به خوبی درک کرده ایم که در اقیانوسی از نادانی غوطه وریم، دانش ما در مقابل آن اقیانوس تاریک و بی کران قطره ای بیش نیست، ولی در لحظات نیایش آنگاه که این سرود را زمزمه می کنیم که بار الها

قطره ی دانش که بخشیدی ز پیش



متصل گردان به دریا‌های خویش

احساس می‌کنیم که در دریایی از نور غوطه‌ور گشته‌ایم. مرغ روح در حال نیایش از تنگنای قفس تن رها گشته، پر و بالی در بی‌نهایت می‌گشاید.

در همه‌ی اوقات و لحظات زندگانی نیایش برای ما امکان‌پذیر است، زیرا همیشه روزنه‌هایی از دیوارهای این جهان کهنسال بر بی‌نهایت باز است، و ما از رصدگاه این کالبد خاکی همواره می‌توانیم آن سوی جهان را نظاره کنیم. [۴].

[۱] نیایش حسین در بیابان عرفات، علامه جعفری، ص ۳، ۴.

[۲] متافیزیک: ما بعدالطبیعه، معقولات، ماورای ماده و....

[۳] نیایش حسین در بیابان عرفات، ص ۱۶، ۱۷.

[۴] نیایش حسین در عرفات، ص ۹.

## نماز عامل به وجود آورنده نیروی شگرف در مسلمانان (ی. هیل)

دانشمند محقق ی. هیل [۱] می‌نویسد:

از روزی که اسلام ظاهر شد، نماز یگانه شعار اسلامی به صورت یک ضرورت درآمد. ارتباط این نماز با مسیحیت و یهودیت هرچه باشد نیروی خاص و اهمیتی فوق‌العاده در بین مسلمانان پیدا کرد و بعدها به صورت (نماز جماعت) به اقتداء امامی که اغلب خود محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بود اقامه می‌شد.

[ صفحه ۲۸ ]

هرکسی به هنگام نماز جماعت، اجتماع مسلمانان را مشاهده کند که برای نماز صف بسته‌اند و با نظام خاصی در کمال وقار و با طرز حیرت‌انگیزی رکوع و سجود می‌کنند، به شگفت درمی‌آید، و آثار تربیتی آن را در روان مسلمین از همان روزهای نخستین درک خواهد نمود.

کافی است که ما نقش نماز را مورد بررسی قرار دهیم که چه تأثیر مهمی در بیدار کردن روح نظم و حفظ نظام داشته است، آنگاه به خوبی درمی‌یابیم که در حقیقت نماز برای مسلمانان مانند یک آموزش نظامی بوده است و همین نظم

مسلمانان در نماز (و اجتماع باشکوه آنان) روح وحدت و یگانگی را در میان مسلمانان زنده کرده، برادری، مساوات و برابری و دستاوردهای اجتماعی اسلام را عملاً ایجاد می نموده است. [۲].

[۱] این دانشمند شهیر اروپا، قبلاً یکی از رهبران حزب کمونیست فرانسه بود. پس از تحقیق دین مسیحیت را اختیار کرد. سپس در پی مطالعات عمیق خود به دین اسلام مشرف گردید.

[۲] اسلام از دیدگاه دانشمندان، علی آل اسحاق خوئینی، ج ۱، ص ۳۴، و روزنامه ی اطلاعات ش ۱۹۷۲۸.

### نقش نماز در بهبودی بیماران (دکتر ادوین فردریک پاورز)

دکتر ادوین فردریک پاورز استاد امراض عصبی در ایالات متحده ی آمریکا می گوید:

اگرچه ممکن است بسیاری از امراض معده را در کوتاه ترین مدت که باورکردنی نیست، درمان کرد اما صرف نظر از معالجاتی که در عصر ما وجود دارد، معجزات دیگری در بهبودی امراض مانند فلج و زمین گیری، آشکار می شود که هیچ نوع معالجه ای و یا جراحی و یا

[ صفحه ۲۹ ]

پسیکولوژی و یا تحریکات دیگر در آن اثر نداشته است.

ما می بینیم هزاران حالت برای مریض پیش آمده که مشهورترین پزشکان و باهوشترین طبیبان کمترین امیدی برای بهبودی آن نداشته اند، اما چیزی که در بهبودی مریض اثر گذاشته و صحت و سلامت و عقل را به وی بازگردانده، معجزه ای از معجزات نماز و ارتباط با خدا بوده است. [۱].

[۱] فروع دین، ص ۳۸.

### نقش نماز و دعا در استقامت روحی (مهاتما گاندی)

مهاتما گاندی رهبر بزرگ هند، همو که جهان او را به عنوان آزادکننده ی هند از یوغ استعمار می شناسد، طرفدار «مبارزه منفی» بو و در راه آزادی هند مشکلات و سختی های فراوانی مشاهده کرد و اگر با خدا ارتباط نداشت، در مقابل آن همه مشکلات، فکر خود را از دست می داد و دیوانه می شد. گاندی با وجود جثه ی کوچک و نحیفش، استقامتی شگرف داشت وی زمانی به یک دانشمند مشهور غربی گفت:

اگر نماز نبود و با خدا ارتباط پیدا نمی کردم، بطور حتم سالها بود که دیوانه شده بودم.

من همیشه از نیروی عبادت و دعا مدد گرفته ام و الا هرگز نمی توانستم در مقابل آن همه مشکلات عظیم پایداری کنم. من در تجارب زندگی عمومی و خصوصی خود تلخ کامیهای بسیار سخت داشته ام که مرا دستخوش ناامیدی می ساخت. اگر توانسته ام بر این

[ صفحه ۳۰ ]

ناامیدی ها، چیره شوم، به علت دعا و نمازهایم بود. دعا و نماز را فقط به جهت نیاز و احتیاج شدید روحی می خواندم زیرا اغلب خود را در وضع و حالی می یافتم که احتمالاً بدون نماز و دعا نمی توانستم شادمان باشم. هرچه زمان می گذشت اعتقاد من به خداوند افزایش می یافت و نیاز من به دعا و نماز بیشتر می شد. بدون نماز زندگی سرد و تهی بود. به همان اندازه که غذا برای بدن لازم است دعا و نماز نیز برای روح ضرورت دارد. درواقع آن قدر که دعا و نماز برای روح لازم است غذا برای بدن ضرورت ندارد، زیرا اغلب لازم است برای سلامتی بیشتر گرسنه بمانیم و از غذا خوردن خودداری کنیم، اما در مورد دعا و نماز چنین نیست. این آرامش از دعا و نماز برای من حاصل شده است. و نیز زیباتر می گوید: عبادت راز پیروزی یک مرد بزرگ است. [۸]. و از گفته های دیگر پیشوای مردم هند است که:

چون من به خدا ایمان دارم، به دعا نیز ایمان دارم، این مطمئن ترین راه آگاهی بر وجود خدا و احساس حضور اوست، معنی و نیرو و پاداش نماز و دعا در همین است. [۲].

[۱] همه ی مردم برادرند، گاندی، چاپ پنجم، ص ۱۰۷، مرواریدهای پراکنده، ص ۱۳۵.

[۲] کلیدهای خوشبختی، ترجمه ی احمد آرام، ص ۳۸۹.

### زیبایی نماز در جوامع اسلامی (ویل دورانت)

ویل دورانت مورخ و دانشمند آمریکایی می نویسد:

در جامعه های اسلامی مؤذن از گلدسته بالا می رود و به وسیله اذان

[ صفحه ۳۱ ]

مسلمانان را به نماز دعوت می کند.

براستی چه نیرومند و شریف است که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می کند، چه خوب است انسان به هنگام نیمروز از کار باز ایستد، و چه بزرگ و باشکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند توجه کند. چه خوش آهنگ است صدای مؤذن که جانهای محبوس در پیکر خاکی را به سوی خالق بخشنده و مهربان دعوت می کند. هنگام نماز، هر مسلمانی باید از کار خود، دست بردارد خود را تطهیر کند، رو به جانب کعبه بایستد و رسوم و تشریفات نماز را به همان صورت که مسلمانان دیگر در اوقات مختلف روز عمل می کنند به انجام برساند. [۸]

[۸] تاریخ تمدن، عصر ایمان، ج ۴، بخش اول، ص ۲۷۳.

### نماز عامل نشاط عقلانی (سیرل برت)

سیرل برت، روانشناس انگلیس نظریه ی ویلیام جیمز را درباره ی تأثیر نماز مورد تأکید قرار داده و گفته است: ما به واسطه ی نماز می توانیم وارد انبار بزرگی از نشاط عقلانی شویم که در شرایط عادی یارای وصول بدان را نداریم. [۹]

[۹] قرآن و روان شناسی، ص ۳۶۲، علم النفس الدینی، ص ۲۱.

### دعا و نیایش عمیق ترین سرچشمه ی کمال (توماس کارلایل)

توماس کارلایل نویسنده و متفکر بزرگ انگلیسی می نویسد: «دعا و نیایش، عمیق ترین سرچشمه ی نیرو و کمال است، ولی ما از این سرچشمه ی نیرو و کمال غفلت داریم.» [۱۰]

[ صفحه ۳۲ ]

[۱۰] اطلاعات، ش ۱۹۷۲۸، دعا از نظر دانشمندان، ص ۲۱۷.

### دعا پرواز روح به سوی نامتناهی (رالف والدو امرسون)

رالف و الدوامر سون گفته است:

آیا دعا ژرف نگری روح و یا پرواز روح به سوی نامتناهی نیست؟

هیچ مناجات کننده ای را نمی توان پیدا کرد که از دعا مطلبی نیاموخته و موضوعی را کشف نکرده باشد. [۸].

[۸] کاربرد هوش و فکر، ژوزف مورخی، ص ۵۱.

### عبادت ارتباط مستقیم میان خدا و انسان (پروفسور ژول لایبوم)

پروفسور ژول لایبوم، محقق اندیشمند و پژوهشگر علوم اسلامی که قریب ۳۰ سال در زمینه ی قرآن تحقیق نموده و کتاب «تفصیل الآیات لقرآن الحکیم» از آثار گزیده ی این شخصیت است. درباره ی نماز و عبادت چنین می گوید: «اصل اول اسلام ایجاد ارتباط مستقیم میان خدا و انسان است؛ اسلام واسطه ی میان انسان و خدا را از میان برد و برای اولین بار ایجاد ارتباط مستقیم را میان این دو قطب اعلام کرد.

قرآن می فرماید که خدا به بندگان نزدیکی است و دعایشان را پاسخ می گوید:

«و اذا سالک عبادى عنى فانى قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان، فلیستجیبوا لی ولیومنوا بی»

هنگامی که بندگان درباره ی من از تو می پرسند، بگو من به بندگانم نزدیکم و کسی که مرا بخواند دعوتش را پاسخ می دهم، بنابراین باید دعوت مرا پاسخ دهند و به من ایمان داشته باشند.»

[ صفحه ۳۳ ]

در پذیرش عبادت لازم نیست که شخص از یک گروه مشخص مقام وساطت را میان مردم و خدا داشته باشد، بلکه هر انسانی می تواند خودش اعمال عبادی را انجام دهد.»

او ادامه می دهد:

«نمازهای پنجگانه از مظاهر همبستگی مذهبی است. آنگاه که بانگ توحید در فضای شهرهای اسلامی طنین می افکند، گرویدگان به اسلام با شنیدن آهنگ آسمانی اذان در دل روز یا شب هنگام، به سوی مراکز نیایش با آفریدگار هستی بخش می شتابند، این شیفتگان ایمان به خدا، در هر نقطه از جهان و از افقهای دوردست روی خود را به سوی نقطه ای واحد و کانونی مشترک، یعنی کعبه که در قلب مکه جای دارد، می گردانند.» [۸].

[۸] ایدئولوژی و فرهنگ اسلام از دیدگاه ژول لایبوم، ص ۶۶، ۶۷، ۳۲۶.

## نماز رابطه ی انسان و پروردگار (دکتر محمد عثمان نجاتی)

دکتر محمد عثمان نجاتی دکتر روان شناس و استاد روان شناسی دانشگاه کویت و صاحب نظر در مسائل روانی، نظرات جالب و مفیدی با استفاده از مطالب قرآنی و روان شناسی در مورد نماز گفته اند:

«کلمه ی نماز نشان می دهد که رابطه ای بین انسان و پروردگار وجود دارد. زیرا انسان در نماز با خضوع و خشوع در برابر پروردگار و آفریدگار می ایستد، او با جسم نحیف و ضعیف خود در برابر خدای بزرگ قادر و توانا قرار می گیرد، خدایی که بر تمام ذرات هستی حاکم، و مدبر امور

[ صفحه ۳۴ ]

در آسمانها و زمین است، خدایی که مرگ و زندگی در ید قدرت اوست و رزق و روزی را بین مردم تقسیم می کند و قضا و قدر و هر خیری که به ما می رسد، به امر او انجام می پذیرد. خشوع انسان در نماز برای خداوند متعال، به او نیرو می بخشد و صفای روحی و آرامش قلبی و امنیت روانی را در او برمی انگیزد، چون انسان در نماز با تمام حواس خود متوجه خدا می شود و از همه ی اشتغالات و مشکلات دنیا روی برمی گرداند و به هیچ چیز، جز خدا و آیات قرآن که در نماز بر زبان می آورد، فکر نمی کند. این حالت آرام سازی و آرامش روانی ناشی از نماز، از نظر درمانی تأثیر بسزایی در کاهش شدت تشنجات عصبی از فشار زندگی روزانه و پایین آوردن حالت اضطرابی که برخی از مردم دچار آن هستند دارد.

خواندن به موقع نماز بهترین برنامه ی تمرین و فراگیری آرامش است. معمولاً وقتی انسان کیفیت آرام سازی را یاد بگیرد می تواند از تشنجات عصبی ناشی از فشارها و گرفتاریهای زندگی رها شود.

انسان پس از نماز، به ذکر و دعا می پردازد و این خود به تداوم آرامش روانی کمک می کند. اصولاً انسان در دعا، با خدای خود به مناجات می پردازد و از مشکلاتی که او را در زندگی ناراحت و مضطرب ساخته است، به درگاهش پناه می برد و با بازگو کردن رنج و اندوه خود از خدا می خواهد که در حل مشکلات و برآوردن نیازها به او کمک کند.

[ صفحه ۳۵ ]

تأثیر نماز از جنبه ی دیگر، بسیار بیشتر از تأثیر روان درمانی آن است. زیرا علاوه بر آزاد شدن نیروی روانی انسان از زنجیر اضطراب، اصولاً رابطه ی معنوی میان انسان و خداوند در اثنای نماز، به او آن چنان نیروی معنوی می بخشد که مایه ی تجدید امید، تقویت اراده و آزاد شدن تواناییهای عظیم وی می شود، تواناییهایی که او را بر تحمل سختیها و انجام کارهای بسیار بزرگ قادر می سازد.

درباره ی وضو هم باید گفته شود که وضو به عنوان مقدمه ی نماز، نه تنها موجب تطهیر جسم از آلودگیها می شود، بلکه تطهیر روح را دربرمی گیرد. با وضو مؤمن احساس می کند جسم و روحش از آلودگی گناهان و لغزشها پاک شده است. این احساس پاکی و طهارت جسمی و روحی انسان را برای ارتباط معنوی با خداوند و ورود به حالت آرام سازی جسمی و روحی در نماز، آماده می سازد.» [۱].

[۱] دکتر محمدعثمان نجاتی، قرآن و روان شناسی، ص ۳۵۷ الی ۳۶۱.

### عبادت روزانه وظیفه انسان در برابر رحمت بی کران الهی (کنث.و. مورگان)

کنث. و. مورگان دانشمند آمریکایی در مورد نماز و عبادت می نویسد:

«عبادت روزانه درواقع فریضه ای است که بشر در قبال رحمت بی کران الهی انجام می دهد و با ادای این وظیفه از خالق متعال مدد می جوید تا در میدان حیات و صحنه ی تنازع بقاء پیروز گردد. آئین مقدس اسلام انجام فرایض دینی را (بهخصوص نماز) به منزله ی

[ صفحه ۳۶ ]

غذای روح می داند که تنها از طریق ایمان و عبادت حاصل می گردد و در عین حال افراد بشر را برای تأمین وسایل زندگی و انجام وظایف اجتماعی تشویق می کند. مسلمانان روزانه چندین بار در پیشگاه پروردگار جهان با ادب می ایستند و او را ستایش می کنند. نام خدا را که آفریننده و گرداننده ی عالم است از صمیم قلب و با خلوص نیت به زبان می آورند و به بندگی و ناتوانی خود در برابر خدا اقرار کرده و از درگاه با شکوه خداوندی طلب بخشش و کمک می کنند و در برابرش سر تسلیم فرود می آورند.» [۱].

[۱] اسلام صراط مستقیم، کنث.و.مورگان، ص ۱۳۱، ۱۳۳.

## نماز احساس همه هستی در وجود خود (دکتر ژرژ گارودی)

دکتر روژه گارودی، دانشمند و فیلسوف مشهور فرانسوی می‌نویسد:

در نماز انسان به خود باز می‌گردد و همه ی هستی را در وجود خویش احساس می‌کند و نماز انسان با ایمان را به ستایش خدا وا می‌دارد.

در نماز، همه مسلمانان جهان در برابر محرابهای تمام مساجد که زاویه ی آنها به سوی کعبه ساخته شده است در صفهای فشرده با همدلی و حضور خود، بطور گسترده و عمیقی مجذوب مرکز خود و بنیاد خود می‌شوند.» [۱] .

[۱] هشدار به زندگان، روژه گارودی، ترجمه کسمائی، ص ۲۵۹.

## نماز مسلمانان عامل جذب دیگران (لورا اسقف مسیحی)

لورا، اسقف بزرگ مسیحی می‌گوید:

«هرگز دیده نشده است که کسی برای اولین بار با مسلمانان معاشر

[ صفحه ۳۷ ]

گردد و تحت تأثیر قرار نگیرد و مجذوب مظاهر دینی و عقیده و ایمان آنان نشود، بدین ترتیب که هنگام عبور از خیابان و یا ایستگاه راه آهن و یا بیابانی متروک اولین چیزی که نظرتان را جلب کرده و متعجب خواهید شد این است که مردی را می‌بینید که بدون کمترین ریا و تظاهر و با کمال آرامش و اطمینان و در وقت معین به ادای نماز پرداخته و از این عجیب تر این که هیچ حادثه و اتفاقی وی را از این امر باز نخواهد داشت.

اما نماز جماعت بخصوص در روز جمعه که گاه ممکن است عده ی نمازگزاران از پانزده هزار نفر نیز تجاوز کند و همه غرق در اعمال نماز و عبادت باشند و با خضوع و خشوع به درگاه با عظمت خداوندی رو آورند و هر حرکتی از حرکات و اعمال آنها خود نموداری از بالاترین آثار و شعائر تعظیم و خوف و ترس در برابر خداوند است، با این اوصاف چنانچه شخص در طی دوران حیات خود حتی یک مرتبه هم به تماشای این منظره و هیأت که آثار عظمت و شکوه در سیمای آنان موج می‌زند بپردازد بی گمان تحت تأثیر و جذبه ی آن قرار گرفته و آثار شگفتی و تعجب در اعمال قلبش اثر خواهد گذاشت و با دیدن این عظمت و جلال که از عبادت این گروه نمودار می‌گردد، امتیاز این نوع عبادت را از سایر عبادات نیز آشکار خواهد ساخت.» [۱] .



[۱] نتایج و فوائد دین، فضل ا... کمپانی، ص ۲۱، ۲۲، اسلام و علم جدید ص ۳۵۹، ۳۶۰.

### عوامل تفوق مسلمانان بر سایر ادیان (دکتر مارکوس دودس)

دکتر مارکوس دودس می گوید:

«دو خصلت نیکو و برجسته در مسلمانان هست که حقا آنها را بر عیسویان برتری داده و شایسته است که با داشتن این دو خصلت پیوسته بر خود بالیده و افتخار کنند.

یکی آن که کوچکترین شکی در اعتقاد به خدای یگانه، از خود نشان نمی دهند. و دیگر این که برای انجام شعائر مذهبی آن را در مکان معینی واجب نمی دانند. زیرا معتقدند خداپرستی و انجام فرائض مذهبی مانند نماز در همه جا ممکن و اختصاص به یک مکان ندارد.» [۱].

[۱] آئین اسلام، کویلیام، ص ۱۳۱، ۱۳۲، نتایج و فوائد دین ص ۲۲.

### دعا و نماز نیروی مبارزه با دشواریهای زندگی روزانه (نورمن وینسنت گریسی)

نورمن وینسنت گریسی می گوید:

«دعا و نماز بزرگترین نیرویی است که برای مبارزه با دشواریهای زندگی روزانه به دست آوردن آرامش روحی، شناخته شده است.

گفتگو با خدا باید عادت همیشگی آدمی شود، نه این که چون درماندگی به نهایت رسید رو به خدا کنیم. باید به خاطر داشته باشیم که هنگام دعا کردن با خدا صحبت می کنیم و حقیقت و اطاعت سراپای وجودمان را فراگیرد. نخستین قاعده ی دعا و نیایش آن است که ضمیر ما را آرام می کند و قلب دردناک ما را شفا می بخشد و در کاری که در پیش داریم بصیرت و روشنی فراهم می آورد.

بسیاری از دعا همچون وسیله ی قابل اعتمادی برای درست کردن کارهای خود استفاده می کنند. [۱].

### نیایش تجلی اشتیاق درونی و اثبات وجود خویش (اقبال لاهوری)

اقبال لاهوری شاعر، فیلسوف و متفکر اسلامی درباره ی نیایش می گوید:

نیایش خواه فردی باشد خواه اجتماعی، تجلی اشتیاق درونی است برای دریافت جوابی در سکوت هراسناک جهان؛ فرآیند منحصر به فرد اکتشافی است که به وسیله آن من جوینده در همان لحظه که نفی خودی خویش را می کند، به اثبات وجود خویش می رسد، و به این ترتیب ارزش حقانیت وجود خویش را به عنوان عامل بالنده ای در حیات جهان اکتشاف می کند.[۸].

او همچنین راه رسیدن به کمال را در انجام فرائض الهی و تکالیف شرعی می داند و می گوید:

تو هم از بار فرائض رو متاب

برخوری از عنده حسن المآب[۲]

رشته ای با (لم یکن) باید قوی

تا تو در اقوام، بی همتا شوی

آن که ذاتش واحد است و لاشریک

بنده اش هم در نسازد، با شریک

ساز او در بزم ها، خاطرنواز

سوز او در رزمها، آهن گداز

[۱] فرهنگ نماز، ص ۳۷.

[۲] اقبال شناسی، ص ۱۴۶.

## عبادت عامل تحکیم شخصیت (دکتر هانری لنگ)

روانکاو معروف دکتر هانری لنگ [۱] چنین می گوید:

«در نتیجه تحقیقات طولانی خود در اجرای آزمایشهای روانی بر روی افراد، به این موضوع پی برده ام، کسی که با دین سر و کار داشته باشد و به عبادت بپردازد، آنچنان شخصیتی قوی و نیرومند پیدا می کند که هیچ گاه یک نفر بی دین نمی تواند چنین شخصیتی به دست آورد.» [۲].

او می گوید: دین عبارت است از ایمان به وجود یک قدرت قوی که مصدر و اصل تمام زندگی و حیات است و آن نیرو همان نیروی (الله) است، همان نیروی مدیر جهان خلقت است، همان نیروی ایجاد کننده آسمانها است. من برای رفع مشکلات این زندگی نکبت بار راه حلی پیدا نکردم و هیچ گاه برای پیشرفت معلومات و شناسائیهای علمی سیراب نگشتم. زیرا پیشرفت علوم، نتیجه ای جز اضطراب و به بیراهه کشاندن، به بار نمی آورد و مادامی که توحید عملی در تحت لواء و پرچم حقایق زندگی درنیاید، هرگز باعث آزادی عقول کسانی که مبدع و مبتکر این علومند نخواهد شد. بلکه باعث ویرانی و نابودی و گندیدگی عقلها می گردد.» [۳].

[ صفحه ۴۱ ]

[۱] هانری لنگ منکر خدا بود، سپس با دیدن حوادث فراوان به خدا گروید و بیماران خود را در سایه ی تعلیمات دینی مداوا می کرد.

[۲] بازگشت به سوی ایمان، هانری لنگ، ترجمه ی، ص ۲۶.

[۳] راه تکامل، احمد امینی، ج ۷، ص ۲۱۵، ۲۱۶.

## مشارکتی بودن نیایش بین خالق و مخلوق (پروفسور هانری کربن)

پروفسور هانری کربن متفکر معاصر، ایرانشناس نامی فرانسه، استاد فلسفه دانشگاه سوربن و رئیس انستیتو فرانسه و ایران بود و مدتی نزدیک به نیم قرن در زمینه های دینی، عرفانی و فلسفی پژوهش کرد.

آقای داریوش شایگان با بررسی آثارش محورهای اساسی پژوهشهای وی در مورد نماز و دعا را چنین جمع آوری کرده است:

«مشارکتی بودن نیایش، مستلزم تصور دو موجود در حال گفت‌وگو با هم است، زیرا رحمت خدای رحمان تنها در جهت خالق به مخلوق، یا از معشوق به عاشق نیست، بلکه متقابلاً در جهت مخالف، یعنی از مخلوق به خالق خود، از عاشق به معشوق خود، نیز حرکتی دارد. اگر رحمت الهی را نیایش خدا بدانیم که مشتاق خروج از اعماق پوشیده‌ی غیب است، نیایش یا نماز انسان هم برای آن است که دوباره به خدای خود برگردد. در پرتو همین پاسخ فعال (یعنی نماز انسان) است که صورت حق در قلب پیداست: «خدا بر ما درود می‌فرستد، یعنی چون همان خدایی است که ما نیایش می‌کنیم، و درست در همان لحظه‌ای که بدو نماز می‌بریم خدا متجلی می‌شود. آنچه ما نیایش می‌کنیم ذات ناشناخته الهی نیست، هر عبدی، رب خود، یعنی جهان ذاتی را که در قالب اعتقادات او هست، نیایش می‌کند. در ما توانی از تخیل برخاسته از نیایش هست که وجودمان را به سوی خدا بالا می‌برد. حرکاتی که در مراسم نماز انجام می‌دهیم (نشستن، زانو زدن،

[ صفحه ۴۲ ]

ایستادن) با سه قلمرو خلقت هم‌نواست. زیرا در این هم‌نواپی است که می‌بینیم انسان جانشین خالق است.

### اقتداء فرشتگان به انسان در نماز (ابن عربی)

بعقیده ابن عربی «هر نمازگزاری (: مصلی) در حکم امام یا مقتداست زیرا چون تنها به نماز بایستد فرشتگان بر وی اقتدا می‌کنند. در این حالت او در مقام فرستاده‌ی خدا قرار می‌گیرد یعنی به مقام امامت که نیابت الهی است، می‌رسد» معنای نماز [یا نیایش] در این هم‌نوائی‌ها به گونه‌ای است که می‌توان آن را فعل به حد اعلی خلاق دانست فعلی که اوج حرکت آن در اندام لطیف نیایش یعنی در دل می‌گذرد. نیایش در ضمن نوعی مناجات است، نوعی رویارویی است.

نیایش‌گزار باید خدایش را رویاروی خویش تصور کند، چنانچه گویی در قبله‌ی او حاضر است. نیایش به عنوان نوعی ذکر است، یا عبادتی است با خلوص دل که کربن آن را «با یاد خدا بودن» ترجمه می‌کند. می‌گوید: برای آن که چنین مجمعی پا بگیرد - زیرا نیایش اساساً دو نیایش‌گزار دارد - در واقع لازم نیست که ذکر به عنوان به یاد خدا بودن، کاری یک جانبه از سوی عارف (و نمازگزار) و منحصر به او باشد که سرگرم حضور بخشیدن به رب خویش است (یعنی حس کند که خداوند الان حاضر و ناظر افعال عبادت اوست). واقعیت مجمع، واقعیت مناجات، مستلزم،

آن است که با یاد او بوده و ذکری از سوی خدا نیز در کار باشد، یعنی خدا مؤمن با وفای خود را در رازی که در پاسخ نیایش وی به دلش می‌رساند، بر خودش حاضر کند.

[ صفحه ۴۳ ]

ذکر کلامی است که دل را پالایش می‌دهد و آن را از هرگونه آلودگی پاک می‌کند و عاملی است که دل را به حالت شفافیت و غمازی کامل می‌رساند. در این حالت دل کانون رؤیت‌ها، انکشافها و برقه‌های مکاشفه‌ی عرفان می‌شود.

### همدلی رب و مربوب (هانری کرین)

به عقیده‌ی کرین «رب و مربوب همدلی متقابل دارند، و هرکدام ضامن و محافظ دیگری هستند.» به یاد خدا بودن در نیایش، حضور بخشیدن به خداست، و در هر حضوری بینشی هست، دیدار با همان کسی که انسان با او همنشین است، این همحضوری را رؤیت یا مشاهده می‌نامند. عامه مؤمنان مقلد پیامبر خویش‌اند، گرچه اعتقاداتشان برای آنها مرز تعیین می‌کند و در نماز با چشم قلب خدا را می‌بینند چنانکه حضرت علی می‌فرماید: رأی قلبی ربی: دل من پروردگارم را می‌بیند. گفتگوی جاودانه‌ی عاشق و معشوق، نیایش خدا با انسان و نیایش انسان با خداست. [۱].

[۱] هانری کرین، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایران شایگان ص ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۳.

### وجه افتراق اسلام و مسیحیت در مورد مکان عبادت (علامه طباطبائی)

مرحوم علامه طباطبائی مفسر بزرگ قرن فرموده‌اند:

«کرین معتقد بود که در دنیا یگانه مذهب زنده و اصیل که نمرده است مذهب شیعه است.»

نیز می‌فرمود: روزی به کرین گفتم: در دین مقدس اسلام تنها زمینها

[ صفحه ۴۴ ]

و مکانها بدون استثناء محل عبادت است، اگر فردی بخواهد نماز یا قرآن بخواند یا سجده کند یا دعا کند در هر جا می تواند، بنابراین اگر فردی از مسیحیان در وقتی از اوقات حالی پیدا کرد مثلا در نیمه شب در خوابگاه منزل خود است و خواست خدا را بخواند چه می کند؟ او باید صبر کند تا روز یک شنبه، کلیسا را باز کنند، این معنی قطع رابطه ی بنده است با خدا.

کربن در پاسخ گفت: «بلی این اشکال در مذهب مسیح هست.» همچنین روزی به پروفیسور کربن گفتم: اگر در دین مقدس اسلام، انسان حاجتمند حالی پیدا کند، طبق همان حال و حاجت خدا را می خواند اما در دین مسیح، خدا اسماء حسنی ندارد اگر شما مثلا حالی پیدا کردید چه خواهید کرد؟! وی در پاسخ گفت:

«من در مناجاتهای خود صحیفه ی مهدویه (ع) را می خوانم. کربن کرارا صحیفه ی سجادیه (ع) را می خواند و گریه می کرد.» [۱].

[۱] مهر تابان، یادنامه ی علامه طباطبائی آیت ا... طهرانی، ص ۴۸.

### دعا و نیایش دست یابی به حقائق جاودانی (دکتر ژوزف مورفی)

دکتر ژوزف مورفی، دانشمند علم روان شناسی می نویسد:

«دعا کردن و اندیشیدن، بر طبق اصول کائنات و حقایق ابدی است و این را می توان به مهندسی تشبیه کرد که براساس اصول و قواعد ریاضی به تفکر می پردازد و یا شیمی دانی که بر طبق قواعد ترکیبات

[ صفحه ۴۵ ]

شیمیایی و فعل و انفعالات عناصر را ناظر و شاهد است و آن را به کار می بندد.

... اگر افکار خدایی (سازنده و مثبت) باشد، قدرت پروردگار در آن وجود خواهد داشت.

دعا کردن که همان به زبان آوردن خواستها و آرزوهاست الزاما مثبت اندیشیدن است. بهترین روش آن است که نیروی آسمانی موجود در خویش را چنان به خدمت گیریم که اندیشه ی خود را واقعی بپنداریم. یعنی عمل اندیشه مثبت با نیروی آسمانی هماهنگی لازم را پیدا کند و برحسب طرز تفکر خویش، پاسخ مناسب را دریافت داریم. در آن هنگام دعا به صورت حالت روحی زنده و مثبت درمی آید که به اعتقاد راسخ می رسد. هنگامی که برای تحقق

آرزویی سر به سوی آسمان برمی دارید این نکته را از یاد نبرید که نباید در نیروی آسمان تغییری بوجود آورید. دعای مفید و مثمر آن است که توسط آن بتوان به حقایق جاودانی دست یافت و به این ترتیب به صورت کانون و مرکزی برای ابراز عشق و حقیقت و حس و کمال و شور و شغف و خیر و برکت درآمد. به عبارت دیگر، دعا را می توان نظاره حقایق آسمان از اوج دانست. گرایش به نیروی آسمانی، درمان و سعادت شخص را به همراه خواهد آورد. [۸] و همو در جای دیگر می آورد:

[ صفحه ۴۶ ]

عشق خداوند قلبمان را از خود سرشار می سازد. [۲].

[۸] کاربرد هوش و فکر، دکتر مورفی، ص ۵۱ و ۵۳.

[۲] همان مأخذ، ص ۵۶.

### نماز و دعا راه ارتباط شفاهی با خدا (پروفسور توشی هیکوایزوتسو)

پروفسور توشی هیکوایزوتسو، دانشمند ژاپنی، استاد فلسفه ی دانشگاه مک گیل کانادا و استاد ممتاز دانشگاه، کیوی ژاپن که در اسلام شناسی و عرفان و فلسفه، تحقیقات فراوان داشته است، چنین می گوید:

«دو گونه ی اساسی از تفاهم میان خدا و انسان وجود دارد. یکی زبانی یا شفاهی است که وسیله ی آن زبان بشری مشترک میان دو طرف است، و دیگری غیرشفاهی است که وسیله ی آن از طرف خدا «نشانه ها و آیات طبیعی» و از طرف بشر پیدا کردن هیئت خاص (شکل مخصوص) و انجام دادن بعضی حرکتهای بدنی است (نشستن، رکوع کردن و...)».

دعا که خواندن خدا توسط انسان است به امید یاری و دستگیری، نوعی ارتباط شفاهی (زبانی) است که جهت صعود دارد. ارتباط غیر شفاهی از طرف بنده نماز (صلاة) نامیده می شود.

این نوع نیز ارتباط در جهت صعودی از جانب انسان به جانب خداست، چه «بیان و تعبیر» تنزیه و تقدیس عمیقی است که بنده در برابر خدای قادر متعال ابراز می دارد. انسان به جای آن که تنها کلمات و آیات خدا را به صورت انفعالی دریافت کند، مأموریت و دستور مؤکد

[ صفحه ۴۷ ]

یافته است که احساس تقدیس و تنزیه خویش را به شکل مثبت به وسیله انجام دادن یک دسته از اعمال بدنی همراه با کسانی که در این احساس با وی شریکند، آشکار سازد.

صلاة (نماز) نه از جهت اسم بلکه از لحاظ روح آن، به روزگاران پیش از اسلام می رسد. در همه ی احادیث معتبر این مطلب مورد قبول است که پیغمبر اسلام، به پیروی از سنت مرسوم میان بعضی از متدینان مکه (دینداران حنیف که پیرو حضرت ابراهیم خلیل بودند) هر سال چند روز از کارهای دنیوی دست می کشید و برای عبادت به غاری در کوه حراء نزدیک مکه می رفت. و بنابر احادیث، این عمل پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چندین سال دوام داشت تا آن که سرانجام وحی بر وی نازل و به پیامبری مبعوث شد. به هر صورت نماز یا شکل شعائر عبادت بزودی یکی از سازمانهای عمده ی اسلام شد. و به عنوان برجسته ترین سیمای اجتماع نو ساخته ی مسلمانان در میان واجبات دینی جایگاه مهمی پیدا کرد.

درباره ی دعا نیز می گوید:

دعا ممکن است سبب آن تقوای ژرف و لبریز شده ی نسبت به خدا باشد و یا ممکن است سبب آن خطر قریب الوقوع مرگ باشد.

قلب آدمی در دعا می تواند از همه چیزهای دنیوی پاک شود و مطابق با آن سخنی که می گوید از لحاظ روحی اعتلا پیدا کند. دعا صمیمانه ترین محاوره ی شخصی قلب با خداست که تنها هنگامی

[ صفحه ۴۸ ]

صورت پذیر خواهد شد که قلب آدمی چنین حالتی پیدا کرده باشد. دعا اگر یک رفتار پرهیزکارانه ی ثابت و ریشه دار درآید (در صورتی که فشار و تنش روحی کاهش پیدا کند) مترادف با عبادت «پرستش» خواهد شد. این دانشمند می نویسد:

«نخستین وظیفه ی یک بنده طبیعتاً آن است که به خداوندگار خود با وفاداری خدمت کند، و پیوسته و با دقت تمام مراقب آن باشد که هرچه خواسته ی اوست به انجام برساند.» [۸]

[۸] خدا و انسان در قرآن، دکتر توشی هیکو، ص ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۵۰.



## ایجاد صمیمیت و اخلاق با نماز (پروفسور والتر کوفمان)

پروفسور والتر کوفمان استاد دانشگاه پرینستون انگلستان می گوید:

«هنگام ستایش و نیایش (نماز) در آدمی چنین صمیمیت و اخلاقی ایجاد می شود که در تمام صحبت‌های معمولی ممکن نیست. سکوت تنهایی را می شکند، فضای گسترده ای در پیش روی نیایش کننده باز می شود، احساسات و عطوفتی که در نتیجه آن در گفتگوهای معمولی با مردم دچار شرمساری ها و رودربایستی ها می شود، در این جا به شکل سپاسگزاری های صمیمانه، گله گذاریهای خودمانی و خواهشهای دوستانه درمی آید. آنچه در عقده دل، به شکل غنچه های ناشکفته و پژمرده بوده، اکنون همچون گلی خندان شکفته و باز می شود، روح آدمی پر و بال گرفته، به

[ صفحه ۴۹ ]

آسمانها پرواز کرده و اوج می گیرد.[۸] .

[۸] نقد بر مذهب و فلسفه، ص ۳۰۴؛ اطلاعات، ش ۱۹۷۲۸.

## تغییرات عظیم در اثر دعا (دکتر فرانک لایاخ)

دکتر فرانک لایاخ دانشمند شهیر اروپائی از قول دانشمند دیگری نقل می کند.

«ای خداوند! یک ساعت کوتاهی که در حضور تو صرف می شود، چه تغییر عظیمی به وجود می آورد، چه بارهای سنگین بر اثر آن از سینه ها برداشته می شود و چه زمینهای خشکی در اثر رگبارهای دعا شاداب می گردد. وقتی ما زانو می زنیم، همه چیز ما را تهدید می کند، ولی وقتی بلند می شویم، دور و نزدیک با زمینه روشن و واضح در برابر ما نمودار می شود، هنگام زانو زدن چقدر ضعیف و هنگام برخاستن چقدر پراز نیرو. پس چرا ما چنین سستی به خود یا دیگران روا می داریم که پیوسته نیرومند نباشیم؟ گاه گاهی دچار غم شده و ناتوان ترسو و مضطر و رنج دیده شویم!

در صورتی که دعا و نیایش با ماست و شادی و نیرو و شهادت نزد خداست... هیچ کس جز خدا نمی داند که چه بسیار دعاها که سیر تاریخ را تغییر داده است... اثر دعا هم مثل اثر نبوغ تازه و عجیب و محیرالعقول است، ولی در عین حال سالم و بدون خطر است.[۸] .

## دعا ارتباط زنده بنده و آفریدگار (اگوست ساباتیه)

اگوست ساباتیه یکی از دانشمندان فرانسه و استاد فلسفه دانشگاه پاریس می گوید:

[ صفحه ۵۰ ]

«دین وقتی با عملی زنده توأم نباشد که میان بنده و آفریدگار رابطه برقرار کند و روح را به سوی رستگاری بکشانند مفهومی نخواهد داشت.»

«مذهب عبارتست از رابطه یا معامله یک روح مضطر، در کمال شعور و اراده با قدرتی مرموز که احساس می کند به آن قدرت بستگی داشته و سرنوشتش به دست اوست. این ارتباط با خدا فقط از راه دعا و نماز بدرگاه او انجام می گیرد. پس دعا عبارتست از مذهبی که جنبه ی عمل به خود گرفته است. دعا و نماز است که مذهب را از همه ی چیزهایی که شبیه به مذهب و یا نزدیک به آن می باشند - مثلاً عواطف اخلاقی و یا احساسات جمال پرستی - جدا می سازد. هرگاه مذهب واقعاً چیز است که در زندگی عملی ما مورد نیاز است باید جوابگوی آن هم یک چیز عملی باشد و الا چیزهای نظری و تئوری نمی تواند جواب یک مذهب عملی باشد.

اگر مذهب غیر از آن تلاش اصلی که روح، با تمام قوا، برای رستگاری خود و رساندن خویش به مبدأ اصلی به کار می برد، چیز دیگری باشد، معنایی نخواهد داشت. آن عمل و تلاشی که مذهب انجام می دهد عبارت از دعا و نماز می باشد. غرض من از این کلمه این نیست که کلمات و حرکاتی چند از روی عادت، بدون توجه به حقیقت آن، صورت بگیرد. بلکه غرض این است که انسان روح خود را با قدرتی مرموز که حضور آن را در قلب خویش وجدان (دریافت) می کند،

[ صفحه ۵۱ ]

ارتباط دهد. اکنون به این کار، شما هر نامی را که می خواهید می توانید بگذارید. اگر این عمل قلبی صورت نگیرد، مذهب صورت نگرفته است. و هر جا که در اثر عملی، روح به حرکت درآید، گو این که عمل ما شکل و صورت

رسمی و قراردادی را هم نداشته باشد مذهب زنده وجود خواهد داشت. حالا از اینجا می توان فهمید که طبیعت پرستی را نمی توان مذهب گفت. زیرا که در آنجا دعا و نمازی وجود ندارد، در اینجا (طبیعت پرستی با صورتهای مختلفش)، آدمی و خدا، از هم جدا می باشند، نه ارتباط قلبی ایجاد شده است، نه گفتگویی صورت گرفته، نه فیضی از خداوند نسبت به انسان فیضان گشته و نه از جانب انسان اظهار بندگی نسبت به خدا به عمل آمده است. در حقیقت امر این طبیعت پرستی که بعضی ها آن را «مذهب» می دانند یک نوع فلسفه می باشد. این چیز به اصطلاح مذهب، زاده ی دورانهای تعقل و استدلال و امور انتقادی بوده و جز یک امر تجریدی و یا به اصطلاح خودمانی یک چیز بی ربط و معنی، امر دیگری نیست یک اختراع من درآوردی و ساختگی است که هیچ گونه خصوصیت مذهبی را در بر ندارد.[۱].

[۱] دین و روان، ویلیام جیمز، ص ۱۵۴، ۱۵۵؛ روح الدین الاسلامی، طباره، ص ۲۳۴.

### تمامی ذرات عالم دلیل رحمت خداوندی است (اپیکتت)

اپیکتت می نویسد:

(آیا ذره ای از ذرات عالم موجود است که آن ذره دلیل بر رحمت

[ صفحه ۵۲ ]

خداوند به بنده ی شاکر و ذلیل خود نباشد؟ علف شیر می شود. کی این همه نعمتها را برای ما فراهم آورده است؟ ممکن است بگوئید کسی آن را ایجاد نکرده است بلکه بخودی خود پیدا شده اند، زهی نادانی و زهی بی انصافی. اگر حقیقتاً عقل می داشتیم، جز آن که به تنهایی و یا دسته جمعی شکر این همه نعمتهای خدا را به جا آوریم، آیا کار دیگری هم می کردیم؟

وقتی که زمین را شخم می زنیم و یا هنگامی که بر سر سفره ی غذا می نشینیم آیا جز حمد و ثنای خداوند چه باید کرد؟ خدای بزرگ این همه وسایل کار در دسترس ما گذارده که از زمین استفاده کنیم، خدایی که به ما دست داده، دهان داده، شکم داده، خدایی که بدون این که خود متوجه شویم، ما را رشد می دهد، به ما نعمت خواب برای استراحت و تنفس برای تجدید حیات مرحمت می کند، آیا نباید شکر این همه نعمتهای او را بگوئیم؟ آیا نباید آن بارقه ی الهی یعنی عقل که خداوند به ما مرحمت فرموده، و از روی عقل همه ی این چیزها را درک می کنیم، شکر

گوییم؟ ای کوردلان! اکنون که شما این نعمتها را نمی بینید، آیا نباید کسی باشد که از طرف همه ی شما حمد خدا بگوید. من پیر و فرسوده، اگر حمد خدای نگویم، چه می توانم کرد؟ اگر بلبل بودم، کار بلبل را می کردم، اگر قویی بودم، همان کاری که قو انجام می دهد انجام می دادم، اما اکنون که خداوند به من نعمت عقل مرحمت فرموده، آیا نباید ستایش خداوند را بصرایم. این عمل، عمل طبیعی و فطری من

[ صفحه ۵۳ ]

است، من هم آن را انجام می دهم. این وظیفه ایست که من از آن سرپیچی ندارم. من می کوشم که این وظیفه ی خود را به نحو اکمل و اتم به انجام برسانم. شما را هم به این کار دعوت می کنم.» [۱].

[۱] دین و روان، ص ۱۶۵.

### تأثیر استنشاق در سلامت بدن (دکتر تومانیانس)

دکتر تومانیانس در کتاب خود می نویسد:

«در غضروفهای بینی گاهی گرمی تولید می شود که سبب سردرد فوق العاده شدید و کاهش بینایی چشم می شود، برای دفع این کرم بهترین وسیله، شستشوی بینی با آب سرد است.» [۱].

(و آن در اسلام استنشاق [شستن بینی] نامیده می شود که از مقدمات مستحبی نماز است). وقتی که شما استنشاق می کنید و با بینی خود آب را بالا می کشید، فوراً بر روی عصب سمپاتیک شما اثر کرده و سوزش و اشک چشم و سرخی چهره را در خود احساس می کنید، علاوه بر اینها سردردهائی که بر اثر هوای ناسالم و خستگی بوجود می آید را از بین می برد و این کاری است که یک نمازگزار واقعی هر روز چند بار هنگام وضو گرفتن انجام می دهد. [۲] سوای آنچه گذشت استنشاق با آب فواید دیگری نیز دارد که از جمله، نمازگزار را از مبتلا شدن به امراضی چون سل، آسم، امراض ریوی و زکام مصون داشته و

[ صفحه ۵۴ ]

تعادل عصبی و حالت نشاط و فرح در نهاد آدمی ایجاد می کند.» [۳].

[۱] قرآن و علوم روز، افتخاریان، ص ۱۹.

[۲] چرا نماز می خوانیم، ص ۵۲، ۵۳، اقتباس.

[۳] فلسفه احکام ص ۲۴۳؛ اطلاعات ش ۱۹۷۲۸.

### کسب قدرت با دعا (مجله ی امریکایی)

مجله ی امریکایی «ریدرایجست» به نقل از یکی از دانشمندان روانشناس می نویسد:

«ممکن است که ما رحمت خدای را به یک دستگاه مولد برق تشبیه کنیم که در ما این هست که با این دستگاه به وسیله دعا ارتباط پیدا کرده و از آن کسب قدرت نماییم و یا این که می توانیم اینطور بگوییم، این دستگاه پر نیرو و پر قدرت اثری در زندگی ما ندارد مگر از راه دعا و نیایش و روی آوردن بدان درگاه... امروزه دلایل فراوانی بر فضیلت دعا (نیایش)، آن اندازه است که راه انکار بر آن بسته است، این امری تعجب آور نیست که آدمی به هنگام سختی و مصیبت به سوی نیرویی غیر از نیروی خود روی آورده، بلکه عجیب و شگفتی آور این است که این امر را شگفتی آور و عجیب بدانیم.» [۱].

[۱] اطلاعات ش ۱۹۶۹۰.

### نماز یادآوری مستمر عظمت و یگانگی خداوند (مارسل بوازار)

مارسل بوازار، دانشمند و اسلام شناس معاصر سوئیسی و یکی از مشهورترین پژوهندگان اروپایی می نویسد:

«نماز یادآوری مستمر یگانگی و عظمت خداوند و ابراز اشتیاق برای راه یافتن در مقام قرب الله است، این تغییر حالت دائمی باعث آن می گردد که امور مادی زندگی، آدمی را در خود غرق نکند. اصولاً رسالت قرآن، متعادل ساختن انسانهاست از راه ایمان و عشق نسبت به

[ صفحه ۵۵ ]

خدا.

در دیانت اسلام، ترس از مجازات انگیزه ی ایمان نیست، دوستی خداست که فرد مسلمان را به انجام فرائض و اجرای تکالیف. وامی دارد. عبادت قربۀ الی الله، روشنگر عشق، محبت و همبستگی است و این در قلوب افراد مسلمان موجود است.» [۱].

«نماز که نحوه ی برگزاری آن با کمال دقت معین شده است، مسلمان را با اسلام پیوند می زند و انسان را به صورت جزئی از جهان کلی درمی آورد. نماز، مسلمان را با تصویری عالی از طبیعت خویش، با شرافت انسانی خود آشنا می کند. حق به واسطه ی همین امر و در نتیجه ی آن او را به خضوع و خشوع وامی دارد که این در هیأت ظاهر نمازگزار دیده می شود زیرا در نماز اجزاء شریف بدن باید با خاک تماس حاصل کند.» [۲].

«عبادت در اسلام کنشی فردی و کوششی شخصی است، هیچ نظارتی در امر عبادت مخلوص اعمال نمی شود و این روشنگر حقیقتی بزرگ است. خداوند به آدمی اطمینانی بس عظیم دارد و این خود می تواند به وضوح روشنگر عظمت و شرافت ذاتی انسان باشد. در قبال عبادتی که او در پیشگاه خدا به جا می آورد، قرآن صیانت حقوق و آزادی و برابری او را بر عهده می گیرد و موارد نیک و بد و حلال و حرام رفتار او را مشخص می کند.

[ صفحه ۵۶ ]

مکمل ارزشهای اخلاقی در اسلام، عبادت است. به بیان دیگر آن که عبادت خدا را مطابق دستورهای شرع به جا نیاورد، اصولاً نمی تواند در نظر اسلام، انسان شایسته ای به حساب آید، با این همه عبادت اسلام کورکورانه و خارج از حد اعتدال نیست، و در عبادت هم، اصل میانه روی رعایت گردیده است. همان گونه که بشر دوستی اسلام نیز بر پایه ی اعتدال و میانه روی است، تنها در برابر خداست که آدمی همه مصلحتها، حتی هستی خود را از یاد می برد. [۳].

[۱] اسلام و حقوق بشر، مارسل بوازار، ترجمه ی مؤیدی ص ۹۴.

[۲] انسان دوستی در اسلام، مارسل بوازار، ص ۳۷.

[۳] همان مأخذ، ص ۶۹ و ۶۳.

### تفوق نماز جمعه مسلمانان بر عبادات عمومی یهود و نصاری (فیلیپ حتی)

فیلیپ حتی، دانشمند، محقق و استاد زبانهای سامی در دانشگاه پرینستون می نویسد:

«نماز جمعه ی مسلمانان از حیث جلال و شکوه و سادگی و نظم و ترتیب بر آن هر دو (نصاری و یهود که فقط روزهای شنبه و یکشنبه در کلیسا و معابد خود جمع می شوند) تفوق و برتری دارد. در آنجا تمام نمازگزاران در صفوف منظم و مرتبی در داخل مسجد صف بسته و اعمال امام را امتثال می کنند. در حالی که علائم و آثار خشوع و خضوع در سیمای نمازگزاران آن چنان مُشاهد است (دیده می شود) که عالیتترین عواطف روحی را در قعر دلهای

عمق ضمایر به جنبش درمی‌آورد. این نماز مشترک عمومی (جمعه)، بزرگترین وسیله و سبب برای تجمع مسلمانان گردیده است، بطوری که فرزندان صحرا و

[ صفحه ۵۷ ]

زادگان بیابان [در عصر رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)] را که همه دارای روح انفرادی و پر از فخر و غرور بودند با هم گرد آورد و در نهاد ایشان ریشه مساوات اجتماعی را عمومی کرد و دلهای آنها را دارای یک اندیشه و فکر گردانید، حس برادری ایمانی را در خاطر آنها پرورش داد، تا به جای حمت خون (نخوت و غیرت نژادی)، عصبیت قبیله (تعصب قومی) و علاقه عمومی اجتماعی رسوخ یافت، این چنین مساجد و نماز، حکم میدانی بود که در آن غازیان اسلام (مجاهدان) به آئین و نظام ممارست (تمرین) کرده و به وحدت نظامی آشنا شدند.» [۸].

[۱] اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب، ص ۲۳۲.

### مداومت بر نماز عامل رفع غرور (پروفسور هوستون اسمیت)

پروفسور «هوستون اسمیت» استاد فلسفه در مؤسسه فنی تکنولوژی در ایالت ماساچوست آمریکا می‌نویسد:

«هرگاه سؤال شود که چرا بر مسلمانان واجب شده است که در اقامه ی نماز همه روز مداومت (تکرار) کنند؟ جواب ساده بر این سؤال آن است که اگر انسان روزهای زندگانی خود را در نظر بیاورد، مهمترین درس و عالیترین دستوری که قرآن به او توصیه فرموده و عمل به آن را تأکید کرده است و باید همیشه به یاد آورد، آن است که «انسان آفریدگار نیست بلکه آفریده‌ایست ناتوان! چه در نهاد بشر همواره این غرور باطل از دیرباز ریشه کرده است که وجود خود را مرکز عالم بیندارد و بر طبق هوی و هوس نفسانی خود عمل کند و چون

[ صفحه ۵۸ ]

بر این اندیشه باشد و بر آن برود، هر آینه در راه خطا و ضلالت (گمراهی) خواهد افتاد. پس بر هر انسانی فرض است که بداند او مخلوقی است عاجز و نه خالق قادر! هر زمان که این معنی به درستی بر او معلوم شد و بر آن یقین قطعی کرد، آن وقت است که حیات او در مرکز مطمئنی قرار می‌گیرد و در راه راست و درست می‌رود. به عبارت

دیگر، مصلحت صلاه (نماز) برای مسلمانان بدون شک آن است که آدمی میل فطری دارد که به محبت خالق خود و شکر و سپاس او اقرار آورد و در همان حال که این احساس قلبی را انجام می دهد، زندگانی خود را نیز در محل مطمئن و مرکز صواب (درست) قرار دهد و به مقصود از خلقت خود پی ببرد و به مخلوقیت خود در برابر خالق کل اقرار کند و خود را تسلیم اراده او سازد، زیرا که خداوند بر او در همه حال احاطه و استیلاء دارد.» [۱] .

همچنین می نویسد: «محل اجتماع مسلمانان برای اداء صلوٰه (نماز) پنجگانه را مسجد می گویند، بیگانگی که به ممالک اسلامی سفر کرده اند مشاهده نموده اند که اجتماع مرم مسلمان در مساجد یکی از مناظر بسیار شورانگیز مذاهب بشری عالم است. چه در صحن و شبستانی ساده و بی پیرایه که با نوری ضعیف منور است، صدها نفوس دوش به دوش یکدیگر رو به سوی قبله، گاهی به قیام و گاهی به رکوع و

[ صفحه ۵۹ ]

گاهی به سجود مشغولند. مع ذلک اگر سؤال شود که در دین اسلام جایگاه خاص برای ادای عبادت در کجاست؟ جواب آن است «در همه جا» به همین معنی یکی از نویسندگان انگلیسی چنین اشاره کرده است:

«یکی از مفاخر اسلام آن است که معابد آن دین را الزاما با دست نساخته اند! یعنی محل مخصوصی ندارد و تشریفات و آداب دینی را در روی زمین در زیر آسمان در همه جا به عمل می تون آورد. هر نقطه ای از عالم معبد خداوند است و همه ی اماکن پاک و طاهر می باشند و شخص مؤمن در هر جا می تواند در وقت عبادت سجاده خود را بگسترده و دست نیاز به درگاه بی نیاز ببرد.»

او در جای دیگر می نویسد:

«نماز مسلمانان شامل دو موضوع بزرگ است، از یک سو بیان کلماتی است در تعبیر از تسبیح و تحمید (سپاسگزاری) رب متعال و از سوی دیگر استرحام (طلب رحمت و بخشش) و استدعا (دعا کردن، از درگاه پروردگار بزرگ، از مثالهای جاری نزد مسلمانان یکی آن است که می گویند:

«هر وقت مرغی قطره ی آبی می نوشد سر خود را به طرف آسمان بلند می کند و در این عمل شکر خدا را به جا می آورد.

در قرآن است که هر جنبنده ای که در زمین حرکت می کند و هر پدیده ای که بال خود را در هوا می گشاید، همه به تسبیح و ذکر حق



مشغولند. [۲] در حقیقت هر لحظه و ثانیه از لحظات و ثانیه های عمر انسان باید به شکر و ذکر خداوند سپری شود و عمری که خالی از این عمل بگذرد به باطل گذشته است. از این رو، بر هر مسلمان واجب است که لااقل پنج بار در شبانه روز به یاد حق و سپاس نعمت و ذکر نام او بگذراند. [۳].

[۱] اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب، ترجمه ی حکمت، ص ۵۰، ۵۱.

[۲] انعام، آیه ۳۸.

[۳] اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب، ص ۵۴.

### پرورش خود آگاهی در سایه عبادت (دکتر کنت بلانکارد)

دکتر کنت بلانکارد، استاد دانشگاه کرنل در مورد یکرنگی ظاهر و باطن می نویسد:  
در این بخش تدابیری را به شما معرفی می کنم تا با آنها خودآگاهی را پرورش دهید و در فضایی بدون رنگ و ریا، بین آنچه در باطن هستید و آنچه در ظاهر ادعایش را دارید زندگی کنید.

### دعا و نیایش راه رسیدن به خود راستین (بیل های بیلز)

«بیل های بیلز» شیوه ای را برای دستیابی به خود راستین پیشنهاد می کند. او سالهاست که به نگارش دعا و نیایش صبحگاهی خود عادت کرده و در قالب آن اعمال روز گذشته خود را وارسی می کند. دعای او سه بخش دارد: ستایش، اعتراف و شکرگزاری. بخش اول، ستایش پروردگار یکتا و خالق همه ی زیباییها و شگفتی هاست. اگر هنوز به جاذبه های عالم هستی پی نبرده اید، اجازه دهید بخشی از کتاب «نیاز آفریدگار» نوشته ی «رابی کوشنر» را برایتان باز گویم. او می گوید:

یکی از بزرگترین موفقیت های بشر در علم و تکنولوژی، سفر به کره ی

ماه در دهه ی ۱۹۶۰ است. تقریباً تمام تلویزیونهای جهان، هنگام عزیمت انسان به کره ی ماه روشن بود. اغلب مردم جهان با شور و هیجان فراوان شاهد این سفر شگفت انگیز بودند. اما وقتی انسان برای بار دوم به کره ماه

عزیمت کرد، اگر کسی در خانه بود و حوصله داشت آن را می دید و اگر نبود برایش اهمیتی نداشت. سومین باری که بشر عازم کره ی ماه شد، برای جلب مردم مجبور شدند، بر روی کره ی ماه به بازی گلف بپردازند. این نشان می دهد که پیشرفت بشر در علم و تکنولوژی هر قدر اعجاب انگیز باشد پس از مدتی شور و هیجان آن کاسته می شود، در حالی که شگفتیها و جذابیتهای طبیعت هرگز یک نواخت و خسته کننده نمی شوند، به بیانی دیگر، مشاهده ی یک غروب زیبا، صدای شرشر آب جویبار و خنده ی یک کودک شیرخوار همواره دل انگیز و لذت بخش است. آیا مشاهده ی این همه شگفتیها در طبیعت، ستایش خالق آنها را توجیه نمی کند؟

بخش دوم نیایش اعتراف و اقرار به اعمال روز گذشته است. امروز از کدام رفتار یا رفتارهای دیروزتان پشیمانید و خود را سزاوار توبیخ می دانید؟ با اعتراف و توبه از اعمال خلاف، خود را به راه راست هدایت کنید.

بخش سوم نیایش، قدرشناسی و شکرگزاری است. به مواهبی که پروردگار به شما ارزانی داشته است بیندیشید و شکرش را به جای آورید.

[ صفحه ۶۲ ]

حال دست دعا به سوی پروردگارتان دراز کنید تا آرزوهایتان را برآورد و در انتظار اجابت شگفت انگیز آن باشید. به راستی اگر شما آمال و آرزوهای خود را در پرده ی ابهام نگاه دارید و آن را با نیروی آسمانی و دست کم با نزدیکان خود در میان نگذارید، چگونه انتظار حمایت و هدایت دارید؟ آیا کسی را می شناسید که برای رسیدن به هدفهایش به کمک، نیازی نداشته باشد؟ وقتی با خلوص نیت دست خود را به سوی خالق دراز کرده، نیازتان را مطرح می کنید، با نیروی اندیشه و روان خویش، بال و پر می گیرید و با تصاویر ذهنی نیرومند الهی خویش، بذری را می کارید که ثمره اش استجابت دعای شماست. [۸].

[۸] سیری در کمال فردی، کنت بلانکارد، ترجمه ی آل یاسین، ص ۱۱۳، ۱۱۴.

### نیایش و نماز برای شکرگزاری (اندرومیتوس)

اندرومیتوس دانشمند روانشناس و نویسنده ی غرب در زمینه شکرگزاری که یکی از علل و فلسفه ی مهم نماز و نیایش است، می نویسد:

«یادم می آید که در کودکی به من می گفتند همیشه باید به خاطر تمام چیزهایی که در زندگی دارم شکرگزار باشم. مادرم می گفت: همیشه قبل از غذا دعا بخوانید و به خاطر داشتن خانه و خانواده، رختخواب گرم، غذای کافی، تندرستی و تمام مواهب دیگر سپاسگزار خداوند باشید. حتی یادم می آید که گاهی با یک کاغذ و قلم به اتاقم فرستاده

[ صفحه ۶۳ ]

می شدم تا طوماری از نعمتهایی را که باید به خاطر آنها شکرگزار باشم تهیه کنم. البته این طومارها هرگز نوشته نمی شد و من در عالم کودکی خود مطلقاً ارزشی برای این تمرینها قائل نبودم. اما چند سال بعد توانستم این نگرش را از دیدگاهی کاملاً متفاوت در خود جای دهم. هرچه بیشتر به چگونگی کار ذهن آگاه شدم و هرچه بیشتر به این نتیجه رسیدم که آنچه ما در زندگی داریم همان چیزی است که به آن می اندیشیم و همان چیزی نصیبمان می شود که ناخودآگاه انتظار آن را داریم بیشتر به من ثابت شد که برای لذت بردن مداوم از این طالع خوب باید احساس خوشبختی کنم و قدر آن را بدانم (و شکرش را به جای آورم).  
ما نه فقط از دیدگاه روحانی بلکه از نقطه نظر علمی نیز باید شکرگزار نعمتهای خدا باشیم و این یک الزام است. بزرگترین معلمان روحانیت، «محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)»، مسیح (ع) و بودا به ما آموخته اند که باید شکر نعمتهای خدا را به جای بیاوریم. منطق عملی این گفتار آن است که ذهن انسان همانند یک آهن ربا بیشترین و شایعترین افکار او را به طرف خود می کشد.»

### شکرگزاری یکی از صفات ارزنده نفس (استاد احمد امین)

استاد احمد امین فیلسوف و ریاضی دان و متکلم معاصر درباره ی شکر می نویسد:  
«یکی از صفات ارزنده نفس، صفت شکر است، که درجه ی صفا و لطف و توجهات الهی یا آن تجلی می نماید. شکر معیار ارزش و

[ صفحه ۶۴ ]

بزرگواری نفس است. اعمال عبادتی که مسلمین انجام می دهند همه به خاطر اداء شکر در برابر پروردگار است و نماز از مهمترین انواع شکر است زیرا حرکات و افعالی که در آن است، کمال خشوع بنده را در برابر خدا می رساند. [۸].

[۸] راز شاد زیستن، اندرومیتوس، ترجمه ی افضلی راد، ص ۸۸.

### نقش نماز جمعه در درمان بیماریهای اجتماعی (دکتر محمد عثمان)

دانشمند عرب دکتر محمد عثمان درباره ی نماز بخصوص نماز جمعه می گوید:

«نماز جمعه نقش درمانی مهمی را ایفا می کند، زیرا نمازگزاران جمعه به خطبه های نماز گوش فرامی دهند که در آن امام جمعه مشکلات گریبانگیر را گفته و علل و راه درمان آنها را می گوید. و دیگر این که نماز جمعه به نمازگزار کمک می کند از همان کودکی با انواع معلومات دینی و ارشادهای عملی آشنا گشته و جهت صحیح برای زندگی مشخص می کند و...»

«کاراپمان و دیگران» به نوعی «روان درمانی تربیتی گروهی» پرداخته اند و برای افزایش بینش بیماران درباره ی مشکلات و انواع تضادهای روانی که دچار آن هستند و نیز مکانیسمهای دفاعی که از آنها استفاده می کنند و اطلاعات و مهارتهای دیگری که بیماران روانی به کمک آنها برای غلبه بر مشکلات نیاز دارند، سخنرانیهای ارشادی ایراد

[ صفحه ۶۵ ]

کرده اند. بدیهی است که این نوع روان درمانی تربیتی گروهی، اساس شبیه اثری است که خطبه های نماز جمعه برای درمان یا پیشگیری برخی مشکلات خفیف روانی ناشی از فشار زندگی، از خود باقی می گذارد. [۸].

نکته ی قابل توجه این است که، روان درمانی معمولاً پس از بروز بیماری روانی انجام می شود ولی نماز و بویژه نماز جمعه از دچار شدن فرد به بیماری روانی پیشگیری می کند و بدون شک پیشگیری از درمان بهتر است.

[۸] قرآن و روانشناسی، ص ۳۶۳؛ التحليل النفسي والعلاج النفسي ص ۲۰۹.

### نماز ارتباط دو لایتناهی بالا و پایین (ویکتور هوگو)

ویکتور هوگو نویسنده ی بزرگ و خالق رمان مشهور «بینوایان» می نویسد:

«نماز گزاردن برای خدا» معنای این کلمه چیست؟

آیا خارج از ما یک لایتناهی وجود دارد؟ این لایتناهی یک امر پایدار و لایزال است و چون لایتناهی است ضرورت ذاتی اوست، و اگر شامل ماده نمی بود به همان جا محدود می شد و چون لایتنهاست بالضروره ذی شعور است و اگر فاقد شعور می بود به همان جا پایان می یافت، در صورتی که ما نمی توانیم چیزی جز تصور موجودیت به خود نسبت دهیم، آیا این لایتنها در ما تصور و جوهر و ذات را به وجود می آورد؟

[ صفحه ۶۶ ]

به عبارت دیگر آیا او همان وجود مطلق نیست که ما وابسته ی او هستیم؟ هم در آن حال که یک لایتناهی خارج از ما وجود دارد، آیا یک لایتناهی نیز در خود ما نیست؟ از این لایتناهی ها آیا یکی شان فوق دیگری قرار نمی گیرد؟ آیا لایتنهای دوم به اصطلاح زیردست نخستین نیست؟ از این لایتناهی ها آیا یکی شان فوق دیگری قرار نمی گیرد؟ آیا لایتنهای دوم به اصطلاح زیردست نخستین نیست؟ آیا آینه آن، پرتو آن و انعکاس آن لجه ی متحدالمرکز با یک لجه ی دیگر نیست؟ آیا این لایتنهای ثانوی نیز ذی شعور است؟ فکر می کند؟ می خواهد؟ اگر هر دو لایتناهی ذی شعورند، پس هریک از آن دو اصلی برای خواستن دارد و یک من در لایتنهای بالا هست، همچنانکه یک «من» در لایتنهای پایین وجود دارد، «من» پائینی جان است و «من» بالایی خداست.

لایتنهای پائین را با نیروی تفکر با لایتنهای بالا در تماس نهادن «نماز» نامیده می شود. [۱].

ویکتور هوگو گفته است: «سینه ای که از ذکر خدا خالی باشد، چون محکمه ایست که قاضی در آن وجود نداشته باشد». [۲].

[۱] بینوایان، ویکتور هوگو، چاپ نهم، ج ۲، ص ۶۷۲، چاپ نهم؛ نیایش در عرفات، جعفری، ص ۲۵، ۲۶.

[۲] مرواریدهای پراکنده، ص ۱۷۰.

### نقش عبادت در پیشگیری از خودکشی (جان انطونی)

آقای جان انطونی وکیل دادگستری در شهر هوستون در ایالت تکزاس آمریکا، پس از آن که پیش آمد جانکاهی بر او وارد شد و نزدیک بود دست به خودکشی بزند، می گوید:

[ صفحه ۶۷ ]

«به فکرم رسید که به سوی خدا بروم و درد دل خویش را با وی در میان بگذارم و خود را نجات بخشم.»

«به درگاهش بروم و بنالم و از او بخواهم که بینائی مرا افزایش دهد و راه اشتباه مرا در این جهان ظلمانی که ناراحتی و کثافت از همه طرف مرا فشار می دهد، مسدود گرداند و از درگاهش خواستم که مرا به کار خود موفق گرداند شاید بتوانم، آن قدر ثروت به دست آورم که بتوانم زن و فرزندم را از گرسنگی نجات بخشم و جانشان را حفظ کنم.»

هنوز نماز، ناله و زاریم تمام نشده بود که در اثر توجه به خدا معجزه ای به وقوع پیوست و ناراحتی اعصابم برطرف گردید، علل ترس من از بین رفت و اضطرابم برطرف شد و احساس کردم که نیرومند شده ام و امید و ایمانی در نهادم به وجود آمده است. سپس شرح می دهد که به برکت نماز، چگونه کار و پول به دستش آمد و اضطراب و ناراحتی، او را به طمأنینه و نشاط تبدیل کرد.

### نیایش عامل مؤثر در موفقیت‌های ورزشی (جک دمبشی)

جک دمبشی قهرمان ورزشی غرب می گوید:

قبل از نماز خواندن نمی خوابیدم و قبل از این که حمد خدای را بگویم غذایی نمی خوردم و آفریننده و بخشنده غذا را ستایش می کردم. و قبل از این که وارد میدان مسابقه گردم، نماز و دعا را فراموش نمی کردم و آنگاه که وارد میدان مسابقه می شدم خدا را در نظر

[ صفحه ۶۸ ]

می گرفتم و همین است رمز پیروزی من در مسابقات. [۱].

[۱] فروع دین، ترجمه مصطفی زمانی، ص ۳۷؛ داستانها و حکایتهای نماز ج ۲، ص ۶۷.

### نماز جماعت مسلمانان کاملترین درجه مساوات بین مردم (هراس لیو)

هراس لیو نویسنده و دانشمند انگلیسی چنین می نویسد:

«هرچند بعضی از رؤساء و بزرگان دین به ظاهر مردم را به مساوات فرامی خوانند اما من هرگز تصور نمی کردم که در جهان ممکن است دینی وجود داشته باشد که بتواند مساوات واقعی را برقرار سازد و آنگاه که من به دیدن

بسیاری از معابد و کلیسا نائل آمد، این موضوع برای من مسلم گردید که همچنان که در خارج تفرقه و اختلاف طبقاتی بین مردم دیده می شود در داخل کلیسا و معبد نیز این اختلاف وجود دارد و من بر این عقیده بودم که خواه و ناخواه این امر در مساجد اسلامی نیز به همین منوال است.

اما چیزی که مرا به اعجاب و شگفتی واداشت مشاهده ی کاملترین درجه ی مساوات و وحدت و هماهنگی بین مسلمانان بود و آن هنگامی بود که در روز عید فطر در مسجد «وولنگ» در لندن حضور یافته و این امر در من اثر عجیب و بی سابقه ای بخشید در این مکان افراد و طبقات گوناگون فراهم آمده و با تمام اختلافی که از لحاظ رتبه و مقام دارند به یک وضع و در یک ردیف قرار گرفته و چنان اختلاط و امتزاج یافته اند که گویی همه با یکدیگر برادرند و در اینجا بسیاری از رجال و بزرگان را می بینید که از بلاد مختلف گرد هم جمع شده و با خلوص و

[ صفحه ۶۹ ]

صمیمیت دست یکدیگر را می فشارند و در این مکان مقدس نقطه ای نیست که اختصاص به اشخاص معینی داشته باشد و در این جا مراسم و تشریفات مجالس و محافل دیگر هرگز اجرا نمی گردد.

آنچه برای من امری تازه و عجیب می نمود این بود که امام جماعت اظهار داشت: مسلمانان، همه ی انبیاء را قبول داشته و بر آنچه به آنها نازل شده ایمان و اعتقاد دارند و این خود مرا بیشتر به اعجاب و شگفتی واداشت. از این رو، برای من جای هیچگونه شک و تردید باقی نمانده و مسلم گردید که اسلام با این همه مزایا و امتیازات (بخصوص مسئله عبادت و نماز و نماز جماعت) حقا سزاوار است که دینی عمومی و جهانی گردد.» [۱].

[۱] اسلام و علم جدید، ص ۳۵۸، ۳۵۷؛ راه تکامل، احمد امین، ج ۷، ص ۲۱۰، ۲۱۱.

### نجات کشتی از غرق بر اثر نماز (استاد عبدالله کولیم)

استاد عبدالله کولیم می گوید:

«با یک کشتی بخاری عازم «طنجه» در کشور مغرب بودم، ناگهان دریا طوفانی شد و کشتی در شرف غرق شدن بود. تمام سرنشینان با کمال اضطراب مشغول بستن چمدانها و اثاثیه ی خود گشته و با هول و اضطراب به این سو و آن سو می دویدند و نمی دانستند که چه کار کنند.

یک وقت دیدند دسته ای از مسلمانها در یک صف ایستاده و مشغول تکبیر و تهلیل و تسبیحند. یک نفر از یکی از آنها پرسید، چه می کنید؟ گفت: نماز می خوانیم. پرسید آیا شما از این که کشتی در

[ صفحه ۷۰ ]

شرف غرق شدن است ترسی ندارید؟

گفت: خیر! ما برای خدایی نماز می خوانیم که تمام امور و فرمانها دست اوست، اگر بخواهد زنده می کند و اگر بخواهد می میراند.»

همین جریان باعث شد که عبدالله کولیم درباره ی دین اسلام، به تحقیق پرداخت و به دین مقدس اسلام هدایت شد و از بزرگان مسلمانان گشت و عده ی زیادی به دست او مسلمان شدند.[۸] .

[۸] راه تکامل، استاد احمد امین، ج ۷، ص ۲۱۱، ۲۱۲.

### خاطره ای از یک پروفیسور فرانسوی (دکتر حداد عادل)

دکتر غلامعلی حداد عادل خاطره ای از مسلمان شدن پروفیسوری فرانسوی از جانب استاد مصباح نقل نموده اند که ما برای حسن ختام این کتاب در اینجا می آوریم. ایشان می گویند که استاد مصباح فرمودند:

«دوستان ایرانی ما در فرانسه، صحبت از پروفیسوری می کردند که مسلمان شده بود و خانم او هم مسلمان بود، مسلمانی بسیار خوب و عامل به دستورها و احکام اسلام و عارف به حقایق اسلام.»

آقای مصباح می فرمودند: «که ملاقاتی داشتیم با این خانم و آقای پروفیسور، پرسیدم که چطور شد که مسلمان شدید؟ به شوخی گفته بود: «سئوالهای خصوصی می کنید!» و بعدا توضیح داده بود که من سالهای پیش در الجزایر مقیم بودم. یک روز از جاده عبور می کردم و در کنار جاده مزرعه ای بود، دیدم کسی رو به سمتی ایستاده و حرکاتی انجام می دهد.

[ صفحه ۷۱ ]



من از مشاهده ی این حرکات کنجکاو شدم، و از دیگران پرسیدم که این حرکات چیست، گفتند: که نماز می خواند. کنجکاو تر شدم و رفتم سراغ این دهقانی که نماز می خواند و نشستم و پرسیدم که چکار می کنی؟ و چه می گویی؟ و چه می خواهی؟ و چرا این کار را می کنی؟ (خانم او گفته بود مشاهده آن نماز، مرا تکان داد و در من تأثیر عمیق گذاشت).

وقتی من متوجه شدم که در اسلام ارتباط با خالق به این اندازه آسان است و به این اندازه عمیق و لطیف است، تکان خوردم و این سرآغازی شد برای تحقیق بیشتر و این علت اصلی مسلمان شدن من بود.<sup>[۱]</sup>

[۱] نماز نشانه حکومت صالحان، ص ۱۰۱.